

آخرا الزمان

در آئینہ

روایات



جابر رضوانی

أَجْرُ الزَّطَانِ
طَر
أَيُّهُ رَوَايَاتٌ

جابر رضوانى

رضوانی، جابر، ۱۳۵۰ -

آخر الزمان در آینه روایات / مؤلف: جابر رضوانی. -

قم: انتشارات قم، ۱۳۸۰.

۱۲۵ ص

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه: ص. ۱۱۸ - ۱۲۵؛ همچنین به صورت زیر نویس

۱. آخر الزمان - احادیث. ۲. م ح م د بن حسن (عج)

امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. الف. عنوان

۳ آ ۶ ر / ۳ / ۲۲۲ B P

۲۹۷ / ۲۱۸

◀ نام کتاب: آخر الزمان در آینه روایات

◀ مؤلف: جابر رضوانی

◀ ناشر: انتشارات امام حسن مجتبی علیهما السلام

◀ چاپ: شریعت

◀ نوبت و تاریخ چاپ: لؤل / زمستان ۱۳۸۰

◀ شمارگان: ۳۰۰۰

◀ قیمت: ۵۵۰ تومان

◀ شابک: ۹-۹۳۵۳۳-۹۶۴

مرکز پخش:

انتشارات بنی الزهراء

قم، خ ارم، پاساژ قدس، پلاک ۸۲، تلفن: ۷۷۳۲۷۳۰

تقديم به :

يگانه منجی عالم بشریت و پرکندهٔ جرد و دلور

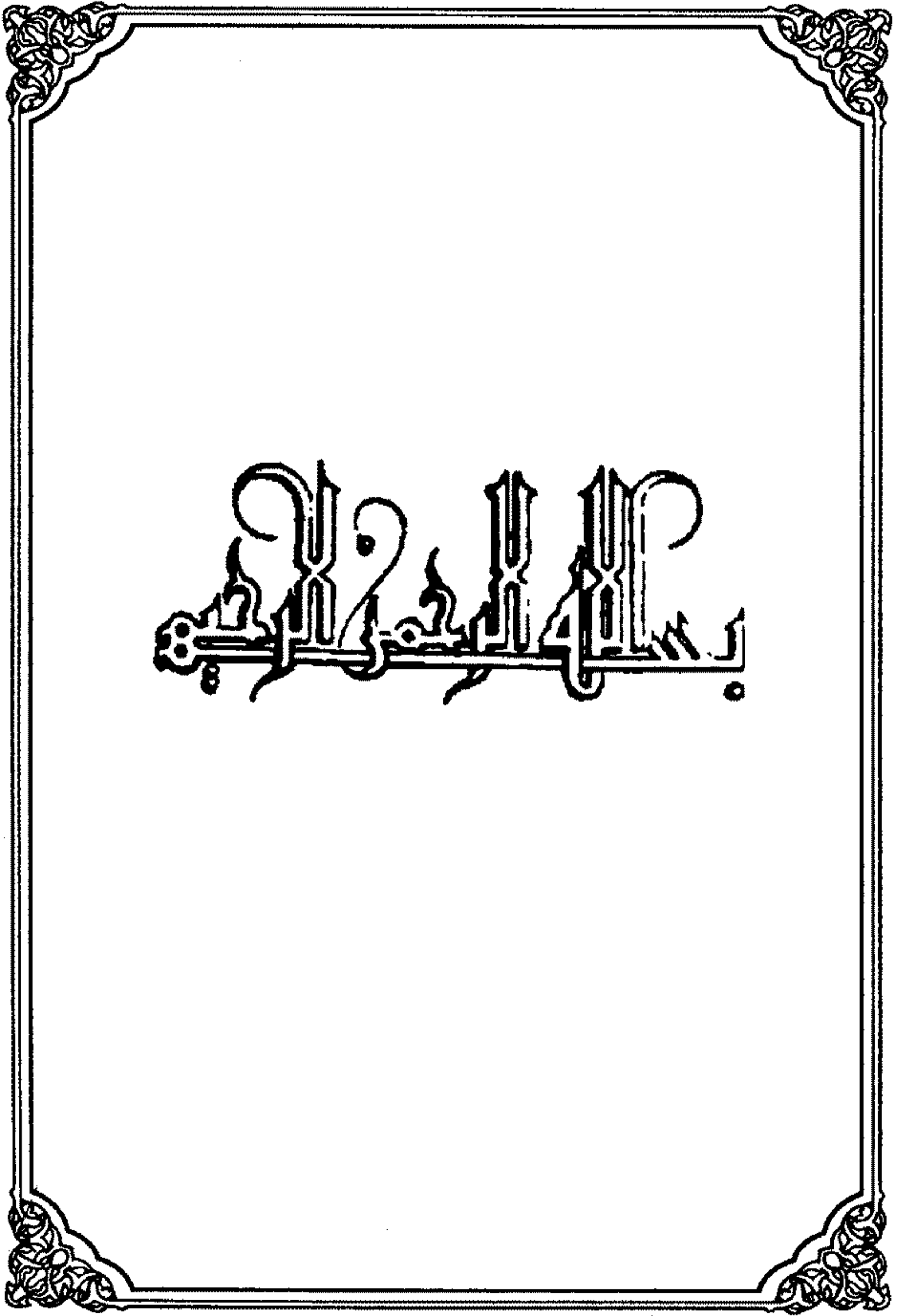
آخر الزما

بقية الله الاعظم

حضرت حجة ابن الحسن (عج)

روحي و ارواحنا لرب مقدمه لفر





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه:

یکی از موضوعاتی که پیامبر ﷺ و نیز اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام روی آن تأکید دارند، مسائل زمان غیبت، و اعمالی که از سوی بشر در آن زمان صادر می شود، است. این بزرگواران نشانه هایی را برای آن زمان بیان فرموده اند که با نگاهی کلی به جهان امروز اکثر آنها در بین انسانهای متمرّد جاری و ساری است و از مرتکب شدن به آن اعمال غیر الهی هیچ ابائی ندارند و بلکه خود مبلغ آن بین دیگران نیز هستند و بسوی آن فرا می خوانند. این افراد، انسانهایی پست و شیطان صفت هستند که چه بسا برای توجیه اعمال زشت و قبیح خود تمسک به حق و حق دار می زنند و لباس زیبای بندگی را بر خود می پوشند و خود را می آریند در حالی که گرگ صفتانی بیش نیستند که ائمه اطهار علیهم السلام پیروان واقعی خودشان را از پیروی کردن اعمال این چنین افرادی بر حذر داشته و آنها را به صبر و پایداری و تحمل مشکلات امر فرموده اند تا اینکه پیامبر ﷺ این پیروان واقعی خودشان را که بر سختیها و ناملازمات و بی احترامی افراد خوارشده نزد الهی صبر می کنند و هم رنگ آنها نمی شوند را از اصحاب خود که در جنگهایی همچون بدر و احد و حنین شرکت داشته اند برتر دانسته و مقامشان را عالی معرفی فرموده است.

حال که ما دم از پیروان اهل بیت علیهم السلام می زنیم بر ما فرض است که به

فرمایشات این بزرگواران گوش جان بسپاریم و با تمام قدرت آنها را در زندگی روزمره خود پیاده نمائیم تا مصداق فرمایش رسول گرامی اسلام باشیم. نه از آن افرادی که پیامبر ﷺ از آنها بری و آنها نیز از ایشان به دور می باشند.

مطالبی که در پیش روی هست روایاتی از ائمه اطهار علیهم السلام درباره آخر زمان می باشد که گردآوری شده و ترجمه گردیده است تا از اعمالی که در این زمان ظاهر و شیوع پیدا می کند دامان انسان های وارسته و حقیقت جو را نگیرد و ما که دم از پیروان اهل بیت علیهم السلام می زنیم جزء شایع دهندگان و پیروان آن اعمال نباشیم تا از رحمت الهی دور نگردیم، چرا که هر کس از رحمت الهی دور گردد در دنیا و آخرت در خسران عظیم خواهد بود و از این خسران پناه بر خدا می بریم.

در ضمن برای اینکه بعضی از مطالب و موضوعات احادیث روشن گردد، احادیثی نیز بعنوان پاورقی آورده شده است. و حُسن این کتاب این است که همه آن از فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می باشد بدون آنکه مطالبی اضافه گردد مگر در پاورقی، آن هم در حد نیاز ذکر شده است.

و از خداوند می‌خواهم که به ما توفیق عنایت فرماید تا از پیروان واقعی چهارده معصوم علیهم‌السلام باشیم و جزء آن افرادی قرار گیریم که در لسان این بزرگواران مورد ستایش قرار گرفته‌اند نه از گمراهانی که مورد لرزش واقع شده‌اند.

شهر مقدس قم، جابر رضوانی

۱۳۸۰ / ۹ / ۱۲

۱۷ / رمضان المبارک / ۱۴۲۲

(حدیث اول)

عن المفضل بن عمر قال: قال لي ابو عبدالله عليه السلام: اكتب^(۱) و بث علمك في إخوانك فإن متَّ فأورث كتبك بنّيك فإنه ياتي على الناس زمانٌ هرج لا يانسون فيه إلّا بكتبهم^(۲).

مفضل بن عمر گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: بنویس و علمت را در بین برادرانت منتشر کن که اگر مُردی، نوشته هایت به فرزندانِ تو به ارث برسد، چرا که زمانِ فتنه و آشوبی بر مردم می آید که در آن زمان جز با کتابهایشان با چیز دیگری انس نمی گیرند.

(حدیث دوم)

عن ابي عبدالله عليه السلام قال: ياتي على الناس زمانٌ من سأل الناس عاش و من

حدیث اول

۱. حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: المؤمن إذا مات وترك ورقةً عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترًا فيما بينه وبين النار، وأعطاه الله تبارك و تعالی بكل حرف مكتوب عليها مدينةً أوسع من الدنيا سبع مرّات.

میزان الحکمة ج ۸ ص ۳۲۵.

یعنی: مؤمن وقتی که می میرد و یک ورقه علمی از خود به جا بگذارد، همان ورقه در روز قیامت سپری برای او از آتش جهنم می شود و خداوند به هر حرف نوشته شده شهری به او اعطا می کند که هفت برابر از دنیا وسیع تر باشد.

۲. کافی ج ۱ ص ۵۲.

سکت مات، قلت: فما اصنع ان ادركتُ ذلك الزمان؟ قال: من تعينهم بما عندك^(۱) فان لم تجد فتجاهد^(۲).

امام صادق عليه السلام فرمود: زمانی بر مردم می آید که هر کس سؤال کند زندگی نماید و هر کس ساکت نشیند می میرد. راوی گوید: عرض کردم: اگر آن زمان را درک کردم چکار کنم؟ فرمود: به آنچه که نزدتان است از آن یاری بگیرید و اگر نداشتید تلاش و کوشش نمائید.

(حدیث سوم)

عن ابي عبدالله عليه السلام قال: ياتي على الناس زمان عُضُوضٌ يعضُّ كلُّ امرئٍ

حدیث دوم

۱ - یکی از راههای آرامش روح و روان راضی بودن فرد به آنچه که دارد است، امام صادق عليه السلام می فرماید: «من قنع بما رزقه الله فهو من أغنى الناس». میزان الحکمة ج ۶ ص ۲۹۴.

یعنی: کسی که به آنچه خداوند روزی او فرموده قانع باشد او بی نیازترین مردم است.

۲. کافی ج ۴ ص ۴۶. و انسان باید خود تلاش و کوشش نماید و از دست رنج خود بخورد و کُل بر مردم نباشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: «ازکی الأعمال کسب المرء بیده». میزان الحکمة ج ۸ ص ۳۸۵.

یعنی: پاکترین عملها کار کردن و کسب نمودن مرد با دست خودش است.

علی ما فی یدیه و ینسی الفضل^(۱) و قد قال الله عزوجل «و لا تنسوا الفضل بینکم»^(۲) ینبری فی ذلک الزمان قومٌ یعاملون المضطربین هم شرار الخلق.^(۳)

حدیث سوم

۱- فضل و بخشش یکی از کارهای پسندیده و اسلامی است که برای روابط اجتماعی و خانواده بسیار مؤثر بوده و بلکه بنیان آن را محکم می گرداند و نیز موجب رضایت الهی و باعث دخول در جنت پروردگار متعال می گردد.

قال زین العابدین علیه السلام: اذا کان يوم القيامة جمع الله تبارک و تعالی الاولین و الآخرین فی صعيد واحد ثم ینادی مناد: أين أهل الفضل؟ قال: فیقوم عنق فتلقاهم الملائكة، فیقولون: و ما کان فضلکم؟ فیقولون: کنا نصل من قطعنا و نعطي من حرمننا، و نعفوا عن من ظلمنا، فیقال لهم: صدقتم ادخلوا الجنة. میزان الحکمة ج ۷ ص ۴۹۲

حضرت سجاد علیه السلام می فرماید: زمانی که روز قیامت بر پا شود خداوند تبارک و تعالی اولین و آخرین را در زمین جمع می کند، سپس ندا کنندگان ای می گوید: کجایند اهل فضل و بخشش؟ حضرت فرمود: گروهی بر می خیزند، ملائکه می گویند فضل شما چه بود؟ آنها گویند: هر کس از ما برید به آنها پیوستیم و هر کس از ما محروم کرد به آنها اعطاء نمودیم و هر کس به ما ظلم کرد آنها را بخشیدیم. ملائکه به آنها گویند: راست گفتید، داخل بهشت شوید.

۲. سوره بقره آیه ۲۳۷

۳. کافی ج ۵ ص ۳۱۰ - تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۱۲۶

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی بر مردم می آید که هر کسی چیزی در دست دارد محکم آن را می گیرد و فضل و بخشش را فراموش می کند. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «در بینتان فضل و بخشش را فراموش نکنید» در آن زمان قومی معترض شده و بخشش نمی کنند و از روی اضطرار و ناچاری داد و ستد می کنند، که آنها بدترین خلق هستند.

(حدیث چهارم)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ياتي على الناس زمان يشكون فيه ربهم، قلت: و كيف يشكون فيه ربهم؟ قال: يقول الرجل والله ما ربحتُ شيئاً منذ كذا وكذا ولا أكل ولا شرب الا من رأس مالي، ويحك و هل اصلُ مالك و ذرؤته الا من ربك. (۱)

حضرت رسول صلى الله عليه وآله فرمود: زمانی بر مردم می آید که از خدایشان شکایت می کنند. راوی گوید عرض کردم: چگونه از خدایشان شکایت می کنند؟ فرمود: مرد می گوید به خدا قسم چیز آنچنانی سود نمی برم و از اصل سرمایه خود می خورم و می آشامم. وای بر تو آیا اصل مال و سرمایه آن بغیر از خدای توست.

حدیث چهارم

(حدیث پنجم)

قال رسول الله ﷺ: يأتى على الناس زمان يكون فيه حج^(۱) الملوك نُزهةً
و حجّ الاغنياء تجارةً و حجّ المساكين مسألة^(۲).

حدیث پنجم

۱. یکی از اعمالی که باید در آن دقت تمام نمود تا نیت خالص برای خداوند باشد عمل بزرگ حج است که اگر کوچکترین خدشه ای در نیت حج بوجود بیاید آن را از سیر خود منحرف کرده و حاجی را به ورطه هلاکت می رساند. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «الحج حجّان، حجّ الله و حجّ الناس، فمن حجّ الله كان ثوابه على الله الجنة و من حجّ الناس كان ثوابه على الناس يوم القيامة».

الحکم الزاهرة ص ۱۶۲.

یعنی: «حج دو گونه است، حج برای خداوند و حج برای مردم، پس کسی که حجّش برای خداوند باشد ثواب آن بر خداوند، بهشت است و کسی که حجّش بخاطر مردم باشد در روز قیامت ثواب آن بر مردم است». و از همین جهت دوم است که از زمان ائمه حاجی خدائی انگشت شمار بوده گرچه اطراف خانه خداوند را افراد بی شماری می گرفتند، عبدالرحمان بن کثیر می گوید: با امام صادق علیه السلام حج می کردیم در راهی به بالای کوهی رفتیم حضرت نگاهی به مردم انداخت و فرمود: چه زیاد است جیغ زندگان و ناله کنندگان و چه کم است حاجیها و زیارت کنندگان واقعی خانه خدا. میزان الحکمة ج ۲ ص ۲۷۱

۲ - جامع الاخبار ص ۶۹ - تهذیب الاحکام ج ۵ ص ۴۶۲

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی می آید که حج پادشاهان برای تفریح و گردش، و حج ثروتمندان برای تجارت و حج فقراء برای نیازمندی باشد.

(حدیث ششم)

عن علی بن مهزیار رفعه قال: یاتی علی الناس زمان تكون العافیة عشرة اجزاء تسعة منها فی اعتزال الناس^(۱) و واحدة فی الصمت^(۲).

علی بن مهزیار به سلسله سند خود روایت می کند: زمانی بر مردم می آید که عافیت در آن ده جزء دارد، نه جزء آن در دوری جستن از مردم و یک جزء دیگرش در سکوت باشد^(۳).

حدیث ششم

۱. «قال علی عليه السلام العزلة حصن التقوى» یعنی: دوری کردن از مردم دیوار محکم تقوی است. و باز می فرماید: «سلامة الدين في الاعتزال» یعنی: سلامت دین در دوری کردن از مردم است. و در روایتی دیگر می فرماید: «فی اعتزال أبناء الدنيا جماع الصلاح» یعنی: در دوری جستن از فرزندان دنیا است که صلاحها و مصلحتهای آدمی جمع می شود. فصار الجمل ج ۲ ص ۳۷

و این دوری جستن به معنای عزلت نشینی و گوشه گیری نیست، چرا که اگر این طور باشد نظام اجتماع بهم می خورد بلکه این دوری جستن به این معناست که آدمی با مردم باشد ولی دلش با آنها نباشد و همیشه به یاد خداوند باشد. چرا که بامردم بودن و صبر کردن بر اذیت و آزار آنها بهترین است. که حضرت رسول ←

(حدیث هفتم)

قال رسول الله ﷺ: يأتى على الناس زمان يذوب فيه قلب المؤمن^(۱) فى جوفه كما يذوب الآنك فى النار يعنى الرصاص، و ما ذلك الا لما يرى من

→ ﷺ در این باره می فرماید: «المؤمن الذى يخالط الناس و يصبر على أذاهم أفضل

من المؤمن الذى لا يخالط الناس و لا يصبر على أذاهم». میزان الحکمة ج ۶ ص ۳۰۲.

یعنی: مؤمنی که بین مردم است و بر اذیت و آزار آنها صبر می کند بهتر است از مؤمنی که با مردم نیست و بر اذیت و آزار آنها صبر نمی کند.

۲. سکوت نیز گنجی است که گوهر انسان را مانند صدف در دل خود پنهان می دارد.

قال الصادق عليه السلام: «الصَّمْتُ كَنْزٌ وافر و زين الحليم و ستر الجاهل».

میزان الحکمة ج ۵ ص ۴۳۶.

حضرت علی عليه السلام می فرماید: سکوت گنجی وافر و زینت شخص بردبار و پرده شخص جاهل است.

قال على عليه السلام: «لا خير فى الصَّمْتِ عن الحكم، كما أنه لا خير فى القول بالجهل».

میزان الحکمة ج ۵ صفحه ۴۳۷.

حضرت علی عليه السلام می فرماید: در سکوت خالی از حکمت خیری نیست، همچنانکه در گفتاری که همراه نادانی باشد خیری نیست.

۳. وسائل الشیعه ج ۱۲ صفحه ۱۸۵. خصال ج ۲ صفحه ۴۳۷

حدیث هفتم

۱. عن ابى الحسن عليه السلام: «ان المؤمن اعز من الجبل، الجبل يستقل بالمعاول و المؤمن لا

يستقل دينه بشئ». الحكم الزاهره ص ۲۳۴.

البلاء و الاحداث فی دینهم و لا یستطیعون له غیراً. (۲)

حضرت رسول ﷺ می فرماید: زمانی بر مردم می آید که قلب مؤمن در دلش ذوب می شود همچنانکه سرب در آتش ذوب گردد، و آن نیست مگر به خاطر بلاء و بدعتی که در دین می بیند و هیچ یاوری در دفع آن بدعت ندارد.

(حدیث هشتم)

مَرَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشَّطْرَنْجِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ زَمَانٌ يَلْعَبُونَ بِهَا وَلَا يَلْعَبُ بِهَا إِلَّا كُلُّ جَبَّارٍ وَالْجَبَّارُ مِنَ النَّارِ يَعْنِي الشَّطْرَنْجَ (۱).

حضرت علی علیه السلام به گروهی گذر کردند که با شطرنج بازی می کردند. حضرت ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که با شطرنج بازی کنند، و با آن بازی نمی کند مگر شخص ستمکار، و جایگاه ستمکار یعنی شطرنج باز نیز در آتش است.

امام کاظم علیه السلام می فرمایند: همانا مؤمن از کوه عزیزتر است، چرا که کوه با کندن و برداشتن کم شود و دین مؤمن با هیچ چیزی قابل کم شدن نیست.

۲. امالی طوسی مجلس ۱۸ ص ۵۱۸.

حدیث هشتم

۱. نهج الحق و كشف الصدق، ص ۵۶۸

(حدیث نهم)

قال علی عليه السلام: ياتى على الناس زمان عضوض بعض الموسر فيه على ما فى يديه و لم يومر بذلك قال الله سبحانه «و لاتنسوا الفضل بينكم» تنهد فيه الاشرار و تُستذلُّ الاخيار و يُباع المضطرون و قد نهى رسول الله صلى الله عليه و آله عن بيع المضطرون^(۱).

حضرت علی عليه السلام فرمود: زمانی بر مردم می آید که آن چه در دست دارند سخت به آن می چسبند در حالی که به آن امر نشده اند. خداوند سبحان فرموده است: «فضل و بخشش را در بین خودتان فراموش نکنید». در آن زمان اشرار مقامشان عالی و نیکان پست و ذلیل می گردند و افراد از روی اضطرار مالشان را می فروشند، در حالی که رسول خدا صلى الله عليه و آله از خرید و فروش در حال اضطرار نهی فرموده است.

(حدیث دهم)

قال علی عليه السلام: ياتى على الناس زمان لا يبقى فيهم من القرآن الا رسمه^(۱) و

حدیث نهم

۱. نهج البلاغه حکمت ۴۶۸ - خصائص الائمة ص ۱۲۴

حدیث دهم

۱. در حالی که قرآن برای خوردن و نیرو گرفتن روح و تقویت معنویت و

من الاسلام^(۲) الا اسمه و مساجدهم يومئذ عامرة من البناء، خراب من الهدى، سُكَّانها و عَمَّارُها شرُّ اهل الارض منهم تخرج الفتنة و اليهم تاوى الخطيئة يَرُدُّون مَن شَدَّ عنها فيها و يسوقون من تأخر عنها اليها، يقول الله سبحانه فبى حلفتُ لأبعثنَّ على اولئك فتنة و أتُرِك الحليم فيها حَيْرَان و قد فعل و نحن نستقيل الله عثرة الغفلة^(۳).

انسانیت است. یادگیری قرآنی که خالی از هدایت باشد وبال انسان در روز قیامت است.

چرا که قرآن کتاب انسان سازی است نه کتابی با خطوطی زیبا و مورد استفاده برای تزیین کتابخانه ها و روی میزها و طاقچه ها. حضرت رسول ﷺ می فرماید: «ليس القرآن بالتلاوة و لا العلم بالزواية و لكن القرآن بالهداية و العلم بالذرية». میزان الحکمة ج ۸ ص ۹۰.

یعنی: قرآن برای خواندن صرف و آگاهی یافتن به روایت آن نیست بلکه قرآن برای هدایت یافتن و علم و آگاهی یافتن به معرفت و دانائی است.

۲. یعنی از محتوای اسلام خالی هستند و از اسلام چیزی به عنوان مسلمان خالی بر خود ندارند در حالی که اسلام محتوایی غنی و گرانبها دارد، کسی که اسلام را با آن محتوای پر بار داشته باشد رستگار خواهد شد. حضرت رسول ﷺ اسلام را عریان معرفی کرده و درباره لباس و زیبائی و زینت آن می فرماید: «الاسلام عریان، و لباسه التقوى، و شعاره الهدى، و دثاره الحياء، و ملاکه الورع، و کماله الدين، و ثمرته العمل الصالح، و لكل شىء أساس، و أساس الاسلام حبنا اهل البيت». میزان الحکمة ج ۴ ص ۵۲۶

یعنی: اسلام لخت و عریان است، لباس آن تقوا، شعارش هدایت، رواندازش ←

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: زمانی می آید که از قرآن جز خطوطی و از اسلام جز اسمی باقی نمی ماند. مساجد آنها ساختمانی زیبا و آباد و از جهت هدایت خراب می باشد. ساکنان و آبادکننده های آن بدترین افراد روی زمین هستند، از آنها فتنه و شر بیرون می آید، خطاها و گناهان در آنها لانه می کند. کسی که در فتنه ها از آنها دوری گزیند از خود می رانند، و کسی که از فتنه ها عقب افتاده اند را بسوی آن سوق می دهند و کمکش می کنند، خداوند سبحان می فرماید: به ذاتم سوگند بر آنها فتنه ای بگمارم که شخص بردبار در آن حیران ماند، و چنین نیز کرد، از خداوند می خواهیم که از لغزش در غفلتهای ما درگذرد.

(حدیث یازدهم)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: سيأتي على الناس زمان لا يبقى من القرآن الا رسمه و من الاسلام الا اسمه يُسمون به، و هم ابعد الناس منه، مساجدهم عامرة و هي خراب من الهدى^(۱)، فقهاء ذلك الزمان شر فقهاء تحت ظل السماء

→ حياء، ملاکش ورع، کمالش دین و میوه اش عمل نیک و صالح است، و برای هر چیزی پایه ای است و اساس و پایه اسلام دوستی ما اهل بیت است.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹ - غرر الحکم ص ۱۱۱.

حدیث یازدهم

۱. یعنی مسجدها از لحاظ هدایت کردن مردم بد عمل می کنند و این بدان ←

منهم خرجت الفتنة و اليهم تعود (۲).

حضرت رسول ﷺ می فرماید: زمانی می آید که از قرآن جز خطوطی و از اسلام جز اسمی که به آن نامیده می شوند باقی نمی ماند، و آنها دورترین مردم از اسلام هستند، مساجد آنها آباد و از جهت هدایت خراب و ویران است. فقهاء آن زمان بدترین فقهاء زیر سایه آسمان هستند، از سوی آنها فتنه ها خارج می شود و بسوی آنها نیز بر می گردد.

(حدیث دوازدهم)

قال علی عليه السلام: ياتي على الناس زمان لا يقربُ فيه الا الماحل و لا يظرف فيه الا الفاجر و لا يضعف فيه الا المنصف يعُدون الصدقة فيه غُرماً، و صلة

→ معنی نیست که اهل هدایتی در آن زمان نیست بلکه تعدادش انگشت شمار است و هدایت یافتگان چون تعدادشان کم است لذا نباید از کمی افراد خود وحشت

داشته باشند. حضرت علی عليه السلام می فرماید: «ایها الناس لاتستوحشوا فی طریق الهدی لقلّة أهله، فانّ الناس اجتمعوا علی مائدة شبعها قصير، و جوعها طويل».

میزان الحکمة ج ۱ ص ۳۳۹

یعنی ای مردم در مسیر هدایت از کمی افراد آن وحشت نکنید، چرا که مردم بر سر سفره ای جمع می شوند که سیری آن کوتاه و گرسنگی اش طولانی است.

۲. کافی ج ۸ ص ۳۰۷

الرَّحِم مَنًّا، و العبادَة استتالة على الناس فعند ذلك يكون السُّلطان
بمشورة النِّساء و إمارة الصبيان و تدبير الخصيان^(۱).

حضرت علی علیه السلام می فرماید: زمانی می آید که کسی مورد احترام
واقع نمی شود مگر شخص سخن چین، و کسی تیز هوش و زیرک
شمرده نمی شود مگر شخص فاجر و ستمکار، و کسی جز فرد با
انصاف ضعیف و ناتوان شمرده نمی شود. صدقه دادن را در آن زمان
خسارت و زیان، و صلهٔ رحم نمودن را منت بدانند، عبادت کردن را
وسیله‌ای برای فخر و بزرگی شمرند. پس در آن زمان کار سلطان با
مشورت زنان و سلطنت کودکان و تدبیر خواجهگان باشد.

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

عن الباقر علیه السلام بالطریق المذكور عن جابر قال: قال یاتی علی الناس زمان
یغیب عنهم امامهم فطوبی للثابتین علی امرنا، فی ذلك الزمان ان ادنی ما
یکون لهم من الثواب ان ینادیهم الباری عزوجل، عبادی آمنتم بسرّی و
صدقتم بغیبی فأبشروا بحسن الثواب منی انتم، عبادی^(۱) و إمانی حقاً

حدیث دوازدهم

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۰۲ - منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (۴) ص ۴۳۷

حدیث سیزدهم

۱. امام صادق علیه السلام درباره عظمت بنده‌های واقعی خداوند و مؤمنین ←

منکم أتقبل و عنکم أعفوا و بکم أسقى عبادى الغیث و ادفع عنکم البلاء و لولاکم لأنزلت علیهم عذابى. قال جابر فقلت: یا بن رسول الله ﷺ فما افضل ما يستعمله المؤمن فى ذلك الزمان؟ قال: حفظ اللسان^(۲) و لزوم البيت.^(۳)

→ می فرماید: «ان المؤمن یخشع له کل شیء، و یها به کل شیء، ثم قال: اذا كان مخلصاً لله أخاف الله منه كل شیء حتى هوام الارض و سباعها و طیر السماء و حیتان البحر». میزان الحکمة ج ۱ ص ۳۳۸.

یعنی: هر چیزی برای مؤمن خاشع می شود، و هر چیزی از او می ترسد، سپس فرمود: وقتی که مؤمن خالص برای خداوند باشد، خداوند هر چیزی را از او می ترساند حتی شیران بیشه و درندگان روی زمین، پرندگان آسمان و ماهیهای دریا را.

۲. قال الرسول ﷺ: نجات المؤمن حفظ لسانه. قصار الجمل ج ۲ ص ۲۰۵.

حضرت رسول ﷺ می فرماید: نجات مؤمن در نگهداشتن زبانش است. قال الصادق علیه السلام: لأهل الايمان أربع علامات: وجه منبسط و لسان لطيف و قلب رحيم و يد معطية. قصار الجمل ج ۲ ص ۲۰۷.

امام صادق علیه السلام می فرماید: اهل ایمان چهار علامت دارد: صورتی خندان و باز، زبانی لطیف و شیرین، قلبی مهربان و دستی بخشنده.

قال الصادق علیه السلام: من خاف الناس لسانه فهو فى النار. قصار الجمل ج ۲ ص ۲۰۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که مردم از زبانش بترسند او در آتش جهنم است.

۳. کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۰ - منتخب الانوار المضیئة ص ۷۹.

جابر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: زمانی بر مردم می‌آید که امامشان در پرده غیبت باشد، و خوشا به حال کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت قدم باشند. کمترین ثواب آنها این است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ای بنده هایم، به اسرارم ایمان آوردید و غیبم را تصدیق نمودید، پس شما را به بهترین و نیکوترین ثواب از جانب خودم بشارت باد. بنده هایم و جانشینانم، به حق از شما قبول می‌کنم و از شماها می‌بخشم و به خاطر شما برای سایر بنده هایم باران می‌فرستم و بلاها را از آنها بر می‌گردانم. و اگر شماها نبودید عذابم را بر آنها نازل می‌کردم.

جابر گوید، عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن زمان چه چیز برای مؤمن بهتر است که آن را انجام دهد؟
فرمود: نگهداری زبان و زیارت خانه خدا.

(حدیث چهاردهم)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ياتي على الناس زمان اسعد الناس بالدينيا لكع بن لكع،

«جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» سورة مائده آیه ۹۷.

خداوند می‌فرماید: خداوند کعبه را بیت الحرام و وسیله‌ای برای سامان بخشیدن و قوام برای کارهای مردم قرار داده است.

قال الرسول صلی الله علیه و آله: حجوا تستغنوا. قصر الجمل ج ۱ ص ۱۳۵.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: حج کنید تا بی نیاز شوید.

خير الناس يومئذ مؤمن بين كريمين^(۱).

حضرت رسول ﷺ می فرماید: زمانی می آید که با سعادت ترین مردم در دنیا شخص پست و فرومایه فرزند پست و فرومایه باشد، بهترین مردم در آن زمان مؤمنی است که بین حج و جهاد باشد.

(حدیث پانزدهم)

عن ابي عبدالله عليه السلام قال: ياتي على الناس زمان ليس فيه شيء اعز من اخ انيس او كسب درهم من حلال^(۱).

امام صادق عليه السلام فرمود: زمانی بر مردم می آید که چیزی عزیزتر از برادری همدم و یا کسب درهمی از حلال نمی باشد.

(حدیث شانزدهم)

قال رسول الله ﷺ: ياتي على الناس زمان لا ينال فيه الملك الا بالقتل و التجبر، و لا الغنى الا بالغصب و البخل، و لا المحبة الا باستخراج الدين و

حدیث چهاردهم

۱. معانی الاخبار، ص ۳۲۵

حدیث پانزدهم

۱. مصادقة الاخوان ص ۸۲

اتباع الهوى^(۱) فمن ادرك ذلك الزمان فصبر^(۲) على البغضة و هو يقدر على المحبة^(۳) و صبر على الفقر و هو يقدر على الغنى^(۴)، و صبر على الذل

حدیث شانزدهم

۱. قال علی عليه السلام: يا ايها الناس إن اخوف ما أخاف عليكم اثنان اتباع الهوى و طول الامل، فاما اتباع الهوى فيصد عن الحق و اما طول الأمل فينسى الآخرة. الحكم الزاهرة ص ۲۶۵.
حضرت علی عليه السلام می فرماید: ای مردم از دو چیز بر شما می ترسم، پیروی کردن از هوا و هوس و آرزوهای طولانی، که متابعت کردن از هوا و هوس شما را از حق باز می دارد و آرزوهای طولانی آخرت را به فراموشی می سپارد.
۲. در مورد جایگاه صبر نیز دو روایت برای تبرک می آوریم که نشانگر عظمت صبر در اسلام است.

قال علی عليه السلام: لا يعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان. فصار الجمل ج ۱ ص ۳۶۹.
حضرت علی عليه السلام می فرماید: شخص صبر کننده پیروزی را از دست نمی دهد اگرچه زمان برای او طولانی شود. قال علی عليه السلام: من ركب مراكب الصبر اهتدى الى ميدان النصر. الحكم الزاهرة ص ۲۶۵.

حضرت علی عليه السلام می فرماید: کسی که بر مرکبهای صبر سوار شود بسوی میدان پیروزی هدایت می یابد.

۳. یعنی قادر است که محبت دیگران را از طریق نامشروع جلب نماید ولی به دشمنی آنها صبر نماید که این با ارزشتر از محبت نامشروع است.

۴. یعنی بر فقر صبر نماید در حالی که قادر است و می تواند بی نیازی را از طریق غیر خدائی نامشروع به دست آورد ولی برای رضای الهی بر فقر صبر کند که این فقر از بی نیازی بهتر است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: «الفقر خیر من الغنى...» میزان الحکمة ج ۷ ص ۵۰۸.

و هو يقدر على العز^(۵)، آتاه الله ثواب خمسين صديقاً ممن صدق به^(۶).

حضرت رسول ﷺ می فرماید: زمانی بر مردم می آید که کسی به حکومتی نمی رسد مگر با کشتار و ظلم، و به بی نیازی نمی رسد مگر با غصب کردن و بخل ورزیدن، و مورد محبت واقع نمی شود مگر خارج شدن از دین و پیروی کردن از هوا و هوس، پس کسی که آن زمان را درک نماید بر دشمنیها صبر کند در حالی که قادر به محبت

قال الصادق عليه السلام: ان الله يحب عبده الفقير المتعفف ذا العيال. قصار الجمل ج ۲ ص ۱۱۵.
امام صادق عليه السلام می فرماید: خداوند بنده فقیر باعفت دارای زن و بچه را دوست می دارد.

۵. و دیگر اینکه بر اذیت و آزار دون صفتان صبر نماید در حالی که می تواند در بین آنها رفته هم کاسه آنها شود و عزت و جلالی برای خود کسب نماید، اما شخص الهی این عزت شیطانی را فدای ذلت الهی می کند تا در روزی که عزت داران شیطانی در آن روز آرزوی مرگ می کنند که هیچ مرگی در بین نیست. شخص ذلیل شده و خوار گردیده الهی در دنیا در آن روز عزت الهی و دائمی می یابد و در بهشت برین جای می گیرد.

قال على عليه السلام: ثلاث من ابواب البر: سخاء النفس، و طيب الكلام و الصبر على الاذى.

قصار الجمل ج ۱ ص ۳۶۹.

حضرت علی عليه السلام می فرماید: سه چیز از درهای نیکی است: سخاوت نفس، پاکی کلام و صبر کردن بر اذیت و آزارها.

۶. کافی ج ۲ ص ۹۱ - مشکاة الانوار فی غرر الاخبار ص ۱۹.

است، و بر فقر صبر نماید در حالی که قادر بر بی نیازیت، و بر خوار شدن صبر کند در حالی که قادر به دست آوردن عزت است، که در عوض خداوند ثواب پنجاه صدیق را به او عنایت کند.

(حدیث هفدهم)

قال ابن العباس: ما ياتي على الناس زمان إلا ماتوا فيه سنة^(۱) و احيوا فيه بدعة^(۲) حتى تموت السنن و تحيا البدع^(۳).

حدیث هفدهم

۱. قال الرسول ﷺ من تمسك بسنتي في اختلاف امتي كان له أجر مائة شهيد. فصار الجمل ج ۱ ص ۳۲۵.

حضرت رسول ﷺ می فرماید: کسی که در هنگام اختلاف بین امتم به سنت ←
→ من چنگ زند برای او اجر صد شهید باشد.

قال الصادق عليه السلام: من خالف سنة محمد فقد كفر. فصار الجمل ج ۱ ص ۳۲۵.
حضرت صادق عليه السلام می فرماید: کسی که با سنت محمد ﷺ مخالفت کند او کافر است.

۲. قال الرسول ﷺ: كل بدعة ضلالة و كل ضلالة سبيلها الى النار.

فصار الجمل ج ۱ ص ۳۲۵.

حضرت رسول ﷺ می فرماید: هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی مسیرش بسوی آتش است.

قال الرسول ﷺ: من تبسم في وجه مبتدع فقد اعان على هدم الاسلام.

فصار الجمل ج ۱ ص ۴۵.

ابن عباس گوید: زمانی بر مرد نمی آید مگر اینکه در آن زمان سنتی را از بین ببرند و بدعتی را بر پا کنند، تا اینکه سنتها را از میان برده و بدعتها را زنده گردانند.

(حدیث هجدهم)

قال الرسول ﷺ: ياتي على الناس زمان يخلق القرآن^(۱) في قلوب الرجال كما تخلق الثياب على الابدان^(۲).

حضرت رسول ﷺ می فرماید: هر کس که در صورت بدعت گذاری بخندد بر از بین بردن و خرابی اسلام کمک کرده است.

۳. مجموعه ورام ج ۲ ص ۲۳۴

حدیث هجدهم

۱. برای اینکه در قرآن تدبیر نمی کنند و بر اثر خواندن آن و عدم عمل نمودن به آن، قرآن را به تمسخر می گیرند و قرآنی که در آن تدبیر نباشد تا در دلها جوانه بزند کهنه می گردد و خشک می شود و در آن صورت است که این لباس زیبای دل بر اثر عدم تدبیر فرسوده می شود، و این درخت پر ثمر دل خشک می گردد و دیگر میوه های لذیذ انسانیت را بر صاحبش نمی دهد.

قال علي عليه السلام: ألا لا خير في قراءة ليس فيها تدبير. فصار الجمل ج ۲ ص ۱۵۷.

حضرت علی عليه السلام می فرماید: آگاه باشید در قرائت قرآنی که در آن تدبیر نباشد خیری نیست.

قال علي عليه السلام: من قرء القرآن من هذه الامة، ثم دخل النار فهو ممن كان يتخذ آيات الله هزواً. فصار الجمل ج ۲ ص ۱۵۶.

حضرت رسول ﷺ می فرماید: زمانی بر مردم می آید که قرآن در قلوب مردان کهنه و فرسوده شود همچنانکه لباسها بر تن آدمی کهنه و فرسوده گردد.

(حدیث نوزدهم)

عن زراره قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: ياتي على الناس زمان يغيب عنهم امامهم فقلت له: ما يصنع الناس في ذلك الزمان؟ قال: يتمسكون بالامر الذي هم عليه حتى يتبين لهم ^(۱).

حضرت علی عليه السلام می فرماید: هر کس از این امت قرآن را بخواند، و داخل آتش جهنم شود، او از کسانی است که آیات الهی را به تمسخر گرفته است.
۲. مجموعه ورام ج ۱ ص ۲۱۷.

حدیث نوزدهم

۱. کمال الدین ج ۲ ص ۳۵۰.

در زمان غیبت امام زمان (عج) نیکوترین اعمال نزد الهی انتظار فرج است تا آن حضرت عليه السلام از پرده غیبت بیرون آید و جهان را پر از عدل و داد نماید.
قال علی عليه السلام: انتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله، فإن أحب الأعمال إلى الله عزوجل انتظار الفرج. میزان الحکمة ج ۱ ص ۲۸۴.

حضرت علی عليه السلام می فرماید: در انتظار فرج باشید و از روح الهی مأیوس نباشید، همانا بهترین اعمال نزد الهی انتظار فرج داشتن است.

قال الرسول صلى الله عليه وآله: انتظار الفرج بالصبر، عبادة. میزان الحکمة ج ۱ ص ۲۸۵.

حضرت رسول صلى الله عليه وآله می فرماید: انتظار فرج داشتن با صبر عبادت است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: زمانی بر مردم می آید که امامشان در غیبت باشد. زراره گوید، عرض کردم: مردم در آن زمان چه می کنند؟ فرمود: تمسک به امری که برای آنهاست می زنند تا امامشان از پرده غیبت ظاهر شود.

(حدیث بیستم)

عن ابان بن تغلب قال: قال لی ابو عبدالله علیه السلام: یاتی علی الناس زمان یصیبهم فیہ سبطة یأرز العلم فیها بین المسجدين كما تأرز الحیة فی حجرها یعنی مکه و المدينة فبینما هم كذلك اذ اطلع الله عز و جل لهم نجمهم. قال: قلت و ما السبطة؟ قال: الفترة و الغیبة لإمامکم. قال: قلت: فکیف نصنع فیما بین ذلك؟ فقال: کونوا علی ما انتم علیه حتی یطلع الله لکم نجمکم^(۱).

ابان بن تغلب گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: زمانی بر مردم می آید که دچار سبته شوند و علم بین مکه و مدینه جمع می شود همچنانکه مار در لانه اش جمع شود و چنبره زند، و آنها بر این حال هستند تا خداوند ستاره آنها را طلوع گرداند.

ابان گوید، عرض کردم: سبته چیست؟ فرمود: فترت و غیبتی که

حدیث بیستم

برای امامشان است. عرض کردم: در آن زمان چه کار کنیم؟ فرمود: بر آن حالی که بودید باشید تا خداوند ستاره شما را طلوع گرداند.

«حدیث بیست و یکم»

عن علی عليه السلام: ياتي في آخر الزمان ناس تاتون المساجد فيقعدون فيها حلقاً، ذكرهم الدنيا و حب الدنيا^(۱) لاتجالسوهم فليس الله فيهم حاجة^(۲).

حدیث بیست و یکم

۱. دنیا و دوستی آن در مکتب اهل بیت عليهم السلام مذمت شده خصوصاً آنکه آن در محلی باشد که برای عبادت الهی است، و آن دنیایی مذمت شده اهل بیت است که انسان را از یاد خدا غافل کند، چرا که دنیا داران خداپرست هیچ وقت در محلی که برای پرستش الهی است یادی از دنیا نمی کنند چون که آنها دنیا را وسیله ای برای رسیدن به همان مکان و مقصد می گیرند نه پرستش را وسیله ای برای رسیدن به دنیا. که در اینجا دو روایت از حضرت علی عليه السلام می آوریم. باشد که عامل به فرمایشات اهل بیت عليهم السلام باشیم.

حضرت عليه السلام می فرماید: واعجبا ممن يعمل للدنيا، و هو يرزق فيها بغير عمل، و لا يعمل للآخرة، و هو لا يرزق فيها الا بالعمل. قصار الجمل ج ۱ ص ۲۰۵.

یعنی: تعجب است از کسی که برای دنیا عمل می کند در حالی که او بدون عمل در دنیا روزی می خورد، و برای آخرت عمل نمی کند در حالیکه او بدون عمل در آنجا روزی نمی خورد.

و باز می فرماید: «إذا أقبلت الدنيا، أقبلت على حمار قطوف، و إذا أدبرت، أدبرت على

حضرت علی علیه السلام می فرماید: در آخر زمان مردمی می آیند که به مساجد می روند و دور هم می نشینند و ذکرشان دنیا و دوستی آن است، در حلقه آنها ننشینید که خداوند را در بین آنها حاجتی نیست. (خداوند در بین آنها نیست).

(حدیث بیست و دوم)

جابر عن النبی صلی الله علیه و آله قال: یكون فی آخر الزمان قوم یعملون بالمعاصی (۱)

یعنی: زمانی که دنیا روی می آورد مانند الاغی کندرو می آید و زمانی که پشت می کند مانند نوری تابان، حال آیا سزاوار است که شخص بر همچون دنیائی دل ببندد و در مکانی که برای قرب الهی و ذکر الهی است، ذکر دنیا را ببرد. ذکر دنیائی که قریبش به شیطان است. و ذاکر خود راز خدا رانده و به شیطان پناهنده می کند.

۲. مجموعه ورام ج ۱ ص ۶۹.

حدیث بیست و دوم

۱. انسان زمان بدبختی اش افزون تر می گردد که مرتکب معصیتی بشود و آن را نسبت به خداوند نیز بدهد و این نهایت شقاوت و بدبختی معصیت کار است. ما آیات و روایات فراوانی داریم که انسانها را از مرتکب شدن به معصیت الهی باز می دارد.

قال علی علیه السلام ایاک و المعصية، فان الشقی من باع جنة المأوی بمعصية دنية من معاصی الدنيا. قصار الجمل ج ۲ ص ۳۹.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: پرهیزید از معصیت، چرا که شخص شقی کسی ←

ثم يقولون الله قدرها علينا الراد عليهم يومئذ كالشاهر سيفه في سبيل
الله (۲).

جابر از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: در آخر الزمان
قومی می‌باشند که مرتکب معصیت می‌شوند و می‌گویند خداوند آن
را مقدر ما کرده است، که در این هنگام ردکنندگان آنها مانند شمشیر
کشندگان در راه خداوند است.

«حدیث بیست و سوم»

قال علي عليه السلام اني سمعت رسول الله ﷺ يقول: سيخرج قوم في آخر
الزمان حدثاء الأسنان، سفهاء الأحلام، يقولون من قول خير البرية و
يقرؤون القرآن لا يجاوز ايمانهم حناجرهم يمرقون من الدين كما يمرق
السهم من الرمية فأينما لقيتموهم فاقتلوهم فإن في قتلهم اجرا لمن قتلهم

→ است که بهشت مأوی را به معصیتی پست از معصیتهای دنیا بفروشد.

و باز می‌فرماید: «انما الورع التطهر عن المعاصي»، قصار الجمل ج ۱ ص ۳۹.

یعنی: همانا ورع و پارسائی پاک شدن از گناهان است.

و می‌فرماید: «مداومة المعاصي تقطع الرزق»، قصار الجمل ج ۱ ص ۴۰.

یعنی: مداومت داشتن بر گناهان روزی را قطع می‌کند.

۲. منشأه القرآن ج ۱ ص ۲۰۲.

عندالله يوم القيامة^(۱).

حضرت علی علیه السلام می فرماید از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: بدین زودی قومی در آخر الزمان می آید که دندانهایشان تیز و بردباریشان از روی جهل و سفاهت باشد، از قول بهترین آفریده‌ها سخن می گویند، قرآن می خوانند ولی ایمان از حنجرشان تجاوز نمی کند از دین کننده می شوند همچنانکه تیر از کمان کننده می شود. پس هر کجا آنها را دیدید بکشید. چرا که هر کس آنها را بکشد در روز قیامت نزد پروردگار اجر و ثواب دارد.

(حدیث بیست و چهارم)

روی عن النبی صلی الله علیه و آله انه ينظر الى بعض الاطفال فقال: ويل لاولاد^(۱) آخر الزمان من آبائهم. فقيل: يا رسول الله من آبائهم المشركين؟ فقال: لا، من آبائهم المؤمنين لا يعلمونهم شيئاً من الفرائض و اذا تعلموا اولادهم

حدیث بیست و سوم

۱. کشف الغمه ج ۱ ص ۱۳۰.

حدیث بیست و چهارم

۱. یکی از توفیقات الهی این است که پدر و مادر فرزند خود را تربیتی نیکو نمایند و در انجام تعهدات پدر و مادری خود از خداوند منان نیز طلب یاری کنند.

منعوههم و رضوا عنهم بعرض يسير من الدنيا فأنا منهم برىء و هم منى براء (۲).

امام سجاد عليه السلام می فرماید: «واعنى على تربيتهم و تأديبهم و برهم».

صحیفه سجادیه دعای ۲۵.

یعنی: پروردگارا مرا بر تربیت و تأدیب فرزندانم یاری نما که تربیت صحیح فرزند عالیترین بخشش پدر به فرزندش است.

در این قسمت روایتی چند از ائمه اطهار عليهم السلام را که تاکید فراوان بر تربیت خوب و صحیح فرزند کرده اند را می آوریم و از خداوند نیز بر انجام این امر مهم که تربیت نیکوی ثمره زندگی است طلب یاری می کنیم تا فرزندانى خوب و صالح تحویل جامعه داده و از برکت و جودی آنها در دنیا و آخرت سربلند و رستگار گردیم.

عن على عليه السلام: «ما نحل والدٌ ولداً نحلأ افضل من ادب حسن.» الحديث ج ۳ ص ۹۳.

حضرت علی عليه السلام می فرماید: هیچ پدری به فرزندش فضل و بخششی بهتر از ادب نیکو و تربیت خوب نداده است.

عن ابى عبدالله عليه السلام: «ان خير ما ورث الآباء لابنائهم الأدب لا المال.» الحديث ج ۱ ص ۹۳.

امام صادق عليه السلام می فرماید: بهترین ارثی که پدران برای فرزندانشان به جا می گذارند ادب صحیح است نه مال و ثروت.

قال الرسول صلى الله عليه وآله: «أدبوا أولادكم على ثلاث خصال: حبّ نبيكم، و حبّ أهل بيته و قراءة

القرآن.» میزان الحکمة ج ۱۰ ص ۷۲۱.

حضرت رسول صلى الله عليه وآله می فرماید: فرزندانتان را بر سه خصلت ادب کنید: دوستی پیامبرتان، و دوستی اهل بیت او و قرائت قرآن.

قال الرسول صلى الله عليه وآله: «رحم الله أغان ولده على برّه، و هو ان يعفو عن سيئته و يدعوه ←

روایت شده که حضرت رسول ﷺ به بعضی از کودکان نگاهی کردند و فرمودند: وای به حال بچه‌های آخر زمان از دست پدرانشان.

سؤال شد: ای رسول خدا ﷺ از دست پدران مشرکانشان؟

فرمود: نه بلکه از پدران مؤمنشان که چیزی از واجبات را به آنها یاد نمی‌دهند، و زمانی که بچه‌هایشان نیز واجبات را یاد بگیرند مانع آنها شوند، و به کمی دنیا از آنها راضی می‌شوند، پس من از آنها

→ فیما بینہ و بین اللہ. «میزان الحکمة ج ۱۰ ص ۷۲۰.

حضرت ﷺ می‌فرماید: خداوند رحمت کند پدری را که فرزندش را در کارهای خیر و نیک یاری می‌کند و او کسی است که از خطاهای فرزندش می‌گذرد و او را به آن چیزی که بین او و خدایش است دعوت می‌نماید.

قال علی عليه السلام: «لَمَّا صَبَّيْنَاكُمْ مِنْ عَلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمْ اللَّهُ بِهِ لَا يَغْلِبُ عَلَيْهِمُ الْمَرْجُئَةُ بِرَأْيِهَا.

میزان الحکمة ج ۱۰ ص ۷۲۱.

حضرت علی عليه السلام می‌فرماید: بچه‌هایتان را از آن چیزهایی که یاد داده‌ایم تعلیم دهید تا خداوند بوسیله آن به آنها نفع رساند و مخالفین گمراه بوسیله نظرات گمراه‌کننده‌شان بر آنها غلبه نکنند.

وقتی که فرزند تربیت صحیح شود باعث سربلندی پدر و مادر می‌گردد و در همه حال احترام آنها را نگه می‌دارد و وجودش همچون گل می‌شود که بوی عطر آگینش همه را به آرامشی خوش دعوت می‌کند.

عن الرسول ﷺ: «الولد الصالح ريحان من رياحين الجنة.» فصار الجمل ج ۲ ص ۳۲۸.

یعنی: فرزند صالح و نیک گلی از گل‌های بهشت است.

دوری می جویم و آنها نیز از من به دور هستند.

«حدیث بیست و پنجم»

قال رسول الله ﷺ: يكون في آخر الزمان عباد جهال^(۱) و قراء فسقة^(۲).

حضرت رسول ﷺ می فرماید: در آخر زمان بنده‌ها نادان و قاریان فاسق می باشند.

«حدیث بیست و ششم»

سئل علي بن الحسين عليه السلام عن التوحيد فقال: ان الله عزوجل علم انه يكون

حدیث بیست و پنجم

۱. قال رسول الله ﷺ: «احكم الناس من فر من جهال الناس». ميزان الحكمة ج ۲ ص ۱۵۹.

یعنی: حکیم‌ترین مردم کسی است که از جاهلان و نادانان فرار کند.

۲. جامع الاخبار ص ۴۹ - مشکاة الانوار ص ۸۸

آن قاریانی فاسق می باشند که به قرآن و آیاتی که می خوانند تدبیر نمی کنند و عمل نمی نمایند و لذاست که حضرت رسول ﷺ می فرماید: «کم من قاری

القرآن و القرآن يلعنه» الحكم الزاهره ص ۱۲۹

یعنی: چه خوانندگانی که قرآن را می خوانند ولی قرآن آنها را لعنت می کند.

قال الرسول ﷺ «و لا يعذب الله قلباً أسكنه القرآن» قصار الجمل ج ۲ ص ۱۵۶.

می فرماید: قلبی که قرآن در آن جای گرفته باشد خداوند آن را عذاب نمی کند. یعنی قلبی که عامل به قرآن باشد.

فی آخر الزمان اقوام متعمقون فانزل الله عزوجل «قل هو الله احد، الله الصمد» و الآيات من سورة الحديد الى قوله «و هو علیم بذات الصدور» فمن رام ماوراء هنالك هلك^(۱).

از علی بن حسین علیه السلام از یگانگی خداوند سؤال شد، فرمود: بدرستی که خداوند عزوجل می دانست که در آخر زمان انسانهایی می آیند که اهل تعمق و تدبر هستند و لذا سوره توحید «قل هو الله احد الله الصمد» و آیه هائی از سوره حديد تا قول الهی «و هو علیم بذات الصدور» را نازل فرمود. پس کسی که از این فرمایش الهی بیرون رود هلاک گردد.

(حدیث بیست و هفتم)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله ذات یوم و عنده جماعة من اصحابه: اللهم لقنی اخوانی مرتین، فقال من حوله من اصحابه اما نحن اخوانک یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟ فقال: لا انکم اصحابی و اخوانی قوم من آخر الزمان آمنوا بی و لم یرونی لقد عرفنیهم الله بأسمائهم و اسماء آبائهم من قبل ان یخرجهم من اصلاب آبائهم و ارحام امهاتکم لاحدهم اشد بقیة علی دینه^(۱) من خَرَطُ

حدیث بیست و ششم

الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ
الدُّجَى، يَنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءٍ مَظْلَمَةٍ (۲).

حدیث بیست و هفتم

۱. چیزی که دین را فاسد می‌کند شهوت است و چون این قوم آخر زمان دین را فدای شهوتشان نکرده‌اند با اینکه آن حضرت را ندیده‌اند. حضرت رسول ﷺ آنها را به عنوان برادران خود نام می‌برد.

قال علي عليه السلام: «أدين الناس من لم تفسد الشهوة دينه.» ميزان الحكمه ج ۳ ص ۳۷۶.

یعنی: دیندارترین مردم کسی است که شهوتش دین او را فاسد نکند و از بین نبرد.

قال علي عليه السلام: «إذا حضرت بلية فاجعلوا أموالكم دون أنفسكم، و إذا نزلت نازلة فاجعلوا
أنفُسكم دون دينكم و اعلموا أن الهالك من هلك دينه، و الحريب من حرب دينه»

ميزان الحكمه ج ۳ ص ۳۷۸.

یعنی: زمانی که بلائی پیش آمد مالتان را فدای جانتان کنید و زمانی که بلاء بیشتر شد جانتان را فدای دیتان کنید، و بدانید هلاک شده کسی است که دینش از بین برود، و مال باخته کسی است که دینش را از دست داده باشد.

قال علي عليه السلام: «لا يترك الناس شيئاً من أمر دينهم لاستصلاح دنياهم إلا فتح الله عليهم ما
هو اضرّ منه.» الحديث ج ۲ ص ۵۳.

حضرت علی عليه السلام می‌فرماید: مردم هیچ یک از امر دینشان را برای اصلاح دنیاشان ترک نمی‌کنند مگر اینکه خداوند دری را که ضررش بیشتر است به روی آنها باز می‌کند.

۲. بصائر الدرجات، ص ۸۴

حضرت رسول ﷺ روزی که گروهی از یارانش در نزد آن حضرت بودند: دو مرتبه فرمود: پروردگارا توفیق ملاقات برادرانم را به من عنایت فرما.

یکی از یاران آن حضرت گفت: ای رسول خدا ﷺ آیا ما از برادران شما نیستیم؟

فرمود: نه بلکه شما یاران من هستید و برادران من گروهی از مردمان آخر زمان هستند، در حالی که من ایمان می آورند که مرا ندیده اند، که خداوند اسم آنها و پدرانشان را قبل از اینکه از صلب پدران و مادرانشان خارج شوند مرا آگاه گردانیده است. و برای هر یک از آنها باقی ماندن بر دینشان سخت تر است از دست کشیدن بر درخت خار داری در شب تاریک و ظلمانی یا مانند فرو بردن دست بر دسته ای از بوته های خاردار. آنها چراغ های نورانی هستند که خداوند آنها را از هر فتنه تیره و تاریک نجات می دهد.

(حدیث بیست و هشتم)

قال رسول الله ﷺ: سیاتی قوم من بعدکم الرجل الواحد منهم له أجر خمسين منکم. قالوا: یا رسول الله نحن کنا معک ببدر و أحد و حنین و نزل فینا القرآن. فقال: انکم لو تحملوا لما حملوا لم تصبروا^(۱) صبرهم^(۲).

حدیث بیست و هشتم

۱. صبر در روایات از عظمت فراوانی برخوردار است و حضرت علی علیه السلام آن ←

حضرت رسول ﷺ فرمود: بدین زودی قومی بعد از شما می آید که یک مرد از آنها اجر و ثواب برابر پنجاه مرد از شماها را دارد. گفتند: ای رسول خدا ﷺ ما با شما در جنگ بدر و احد و حنین بودیم و در زمان ما قرآن نازل شده است. حضرت فرمود: بدرستی که آنچه را که آنها تحمل می کنند و حمل می نمایند شماها نمی توانید تحمل کنید و حمل نمائید، و نمی توانید مانند آنها صبر کنید.

(حدیث بیست و نهم)

قال رسول الله ﷺ: سیاتی بعدکم قوم یاکلون أطائب الدنيا و الوانها و

→ را در بازی برای نعمت‌ها می شمرد و می فرماید: «لکل نعمة مفتاح و مغلاق،

فمفتاحها الصبر، و مغلاقها الكسل» قصار الجمل ج ۱ ص ۳۷۰

یعنی: برای هر نعمتی دری باز و دری بسته است، در باز نعمت صبر و در بسته آن تنبلی است.

قال الصادق ﷺ: «انا صَبِرٌ و شیعتنا اصبر منا. قلت: جعلت فداک کیف صار شیعتم

اصبر منکم؟ قال: لانا نصبر علی ما نعلم، و شیعتنا یصبرون علی ما لا یعلمون»

میزان الحکمة ج ۵ ص ۲۶۹.

امام صادق علیه السلام می فرماید: بدرستی که ما صبور هستیم و شیعیان ما صبورتر از

ما هستند. راوی گوید، عرض کردم: فدایت گردم چگونه شیعیانتان از شما

صبورتر هستند؟ فرمود: به خاطر اینکه ما به آنچه که می دانیم صبر می کنیم و

شیعیان ما به آنچه که نمی دانند صبر می کنند.

ينكحون اجمل النساء و الوانها و يلبسون الين الثياب و ألوانها و یركبون
قُرّة الخيل و الوانها، لهم بطون من القليل لاتشبع و انفس بالكثير لاتقنع
عاكفين على الدنيا يغدون و يروحون اليها اتخذوها آلهة من دون إلههم و
رباً دون ربهم الى امرهم ينتهون و هواهم يتبعون فعزيمة من محمد بن
عبدالله لازمة لمن ادركه ذلك الزمان من عقب عقبكم و خلف خلفكم ان
لايسلم عليهم و لايعود مرضاهم و لايتبع جنازهم و لايقر كبيرهم فمن
يفعل ذلك فقد أعان على هدم الاسلام^(۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: بدین زودی افرادی بعد از شما می آیند
که از پاکیزگی و غذاهای خوش رنگ دنیا می خورند، با زیباترین و
خوش رنگترین زنان ازدواج می کنند، نرمترین و خوش رنگترین
لباسها را می پوشند و بر اسبهای خوش رنگ و بانشاط سوار
می شوند (بر ماشینهای گران قیمت و زیبا سوار می شوند)،
شکمهای کوچکی دارند ولی سیر نمی شوند، نفسهای زیادی
می کشند ولی قانع نیستند، در دنیا مقیم هستند و به آن خدمت
می کنند و در آن خوش و خرم هستند.

دنیا را خدائی بدون خدای واقعیشان و ربی بدون ربشان می گیرند، تا
اینکه امر آنها به پایان می رسد در حالی که هوا و هوسشان را متابعت

حدیث بیست و نهم

نموده‌اند. پس تصمیم و اراده‌ای قوی از برای امت محمد بن عبدالله که از نسل شماها هستند و آن زمان را درک می‌کنند لازم است به اینکه به آن اشخاص سلام نکنند و مریضهای آنها را عیادت نکنند و در تشیع جنازه آنها شرکت ننمایند و بزرگان آنها را احترام نکنند. پس هرکسی آن کارها را انجام دهد بر خراب کردن و از بین بردن اسلام کمک کرده است.

﴿ حدیث سی ام ﴾

عن ابی جعفر علیه السلام قال: کان امیر المؤمنین علیه السلام یقول: یاتی علی الناس زمان یكون فيه أحسنهم حالاً من کان جالساً فی بیته ^(۱).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: زمانی بر مردم می‌آید که نیکوترین حال برای کسی است که در خانه‌اش نشسته باشد.

﴿ حدیث سی و یکم ﴾

قال محمد بن هارون الجلاب قلت لمولانا ابی الحسن علی بن محمد الهادی علیه السلام روینا عن آبائک انه یاتی علی الناس زمان لایکون شیء اعز من اخ انیس او کسب درهم من حلال.

حدیث سی ام

فقال لی یا ابا محمد انّ العزیز موجود و لکنک فی زمان لیس شیء أعسر
من درهم حلال و اخ فی الله عزوجل^(۱).

محمد بن هارون جلاب گوید: به امام هادی علیه السلام عرض کردم: از
پدران گرامیتان روایت شده که زمانی بر مردم می آید که چیزی
عزیزتر از برادری همدم و یا کسب درهمی از حلال نیست.
حضرت به من فرمود: ای ابا محمد، همانا عزیز موجود است و لکن
تو در زمانی هستی که چیزی سخت تر از درهم حلال و برادری در راه
خداوند عزوجل نیست.

(حدیث سی و دوم)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یاتی علی الناس زمان الصابر منهم علی دینه له اجر
خمسین منکم. قالوا یا رسول الله، اجر خمسین منا؟ قال: نعم، اجر
خمسین منکم، قالها ثلاثاً^(۱).

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی بر مردم می آید که صبرکننده بر

حدیث سی و یکم

۱. الأمان سید بن طاووس ص ۵۸ - الاقبال بالأعمال الحسنة ص ۸

حدیث سی و دوم

۱. الامالی طوسی مجلس ۱۷ ص ۴۸۵

دینشان اجری برابر پنجاه نفر از شماها را دارد.
گفتند: ای رسول خدا ﷺ اجر پنجاه نفر از ما را؟ حضرت فرمود: بله
اجری برابر پنجاه نفر از شماها را، و این را سه مرتبه فرمودند.

(حدیث سی و سوم)

روی عن ام هانی بنت ابی طالب رضی الله عنها عن النبی ﷺ انه قال:
یاتی علی الناس زمان اذا سمعت باسم رجل، خیر من أن تلقاه، فإذا لقیته
خیر من أن تجربه و لو جربته أظهر لك احوالاً، دینهم دراهمهم و همتهم
بطونهم^(۱) و قبلتهم نساؤهم یرکعون للرعیف و یسجدون للدرهم حیاری
سکاری لامسلمین و لانصاری^(۲).

ام هانی از حضرت رسول ﷺ روایت می کند که آن حضرت ﷺ
فرمود: زمانی بر مردم می آید که شنیدن اسم مرد بهتر است از دیدن
او، و زمانی که او را ملاقات نمودی بهتر است از اینکه او را امتحان
کنی، و اگر او را امتحان نمودی حالات او برایت آشکار می شود که

حدیث سی و سوم

۱. قال علی علیه السلام: ابعد ما یكون العبد من الله اذا كان همه بطنه و فرجه.

قصار الجمل ج ۱ ص ۴۹.

یعنی: بنده زمانی از خداوند دور می باشد که هم و غمش شکم و فرجش باشد.

۲. اعلام الدین ص ۲۹۱.

دینشان پولشان، و همت و تلاششان شکمشان، و قبله شان زنانشان است، برای لقمه نانی پیش هر کسی خم می شوند و برای درهمی به سجده می افتند، مست و سرگردان و حیران هستند نه جزء مسلمین به حساب می آیند نه جزء نصاری.

(حدیث سی و چهارم)

قال رسول الله ﷺ: ياتي على الناس زمان لا يبقى احدٌ الا اكل الربا^(۱) فان

حدیث سی و چهارم

۱. ربا این بلای خانمانسوز وقتی در جامعه‌ای رواج پیدا کرد اقتصاد تعادلی آن جامعه را به هم می زند و شخص متدین نیز ناخود آگاه و در حد اضطرار به آن آلوده می گردد و آتش این بلاء دامن او را نیز می سوزاند. درباره عظمت فساد ربا اهل بیت علیهم السلام روایات فراوانی دارند که به عنوان نمونه:

قال الصادق عليه السلام: اذا اراد الله بقوم هلاكاً، ظهر فيهم الرباء. قصار الجمل ج ۱ ص ۲۴۰.

یعنی: خداوند وقتی که اراده کند قومی را هلاک گرداند، رباخوری را در بین آنها ظاهر می کند.

قال الصادق عليه السلام: الربا سبعون باباً، اهلونها عند الله، كالذئب ينكح امه.

قصار الجمل ج ۱ ص ۲۴۰.

یعنی: ای علی ربا هفتاد در دارد که آسانترین آن نزد خداوند مانند این است که کسی با مادرش نزدیکی کند.

قال الرسول صلى الله عليه وآله في وصيته له يا علي: الربا سبعون جزءً فأيسرها مثل ان ينكح أمه في

بيت الله الحرام. الحكم الزاهره ص ۲۳۸.

لم ياكله اصابه غباره (۲).

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که کسی نمی ماند مگر اینکه ربا می خورد و اگر کسی ربا نخورد غبارش به دامن او نیز می نشیند و به او نیز اصابت می کند.

«حدیث سی و پنجم»

قال الرسول ﷺ: ياتى على الناس زمان يُستحلّ فيه الرّبا بالبيع و الخمر بالنّبذ و السُّحت (۱) بالهدية (۲).

حضرت رسول ﷺ در وصیتی به علی علیه السلام فرمود: ربا هفتاد جزء دارد که آسانترین آن این است که کسی با مادرش در بیت الله الحرام نزدیکی کند.
۲. مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۳۳۳

حدیث سی و پنجم

۱. ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلسُّحْتِ﴾ سورة مائده آیه ۴۲.

یعنی: آنها بسیار به سخنان تو گوش می کنند تا آن را تکذیب کنند، و مال حرام فراوان می خورند.

سئل امیر المؤمنین علیه السلام عن السُّحت فقال: الرّشاء، فقيل له: في الحكم؟ قال: ذلك الكفر.
میزان الحکمة ج ۴ ص ۴۰۶.

درباره سُحت از علی علیه السلام سؤال شد، فرمود: آن رشوه است. درباره حکم آن سؤال شد؟ فرمود: خورنده اش کافر است.
۲. مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۳۳۲.

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که ربا در خرید و فروش و شراب انگور و حرام خوری به اسم هدیه حلال می گردد.

(حدیث سی و ششم)

قال رسول الله ﷺ: الوضوء مُدٌّ و الغسل صاع و سیاتی اقوام بعدی یستقلون ذلك فأولئك على خلاف سنتی و الثابت^(۱) على سنتی معی فی حظيرة القدس^(۲).

حضرت رسول ﷺ می فرماید: وضوء را با یک مد آب و غسل را با یک صاع آب می توان گرفت و بدین زودی گروهی بعد از من می آیند

حدیث سی و ششم

۱. قال الرسول ﷺ: ان لكل عمل شيرة، و لكل شيرة فترة، فمن كانت فترته الى سنتی فقد اهتدى، و من كانت الى غير ذلك فقد هلك. میزان الحکمة ج ۴ ص ۵۶۴
یعنی: برای هر عملی زیاده روی است و برای هر زیاده روی ضعف و سستی، پس هر کس در زمان ضعف و سستی بر سنت من باشد هدایت می یابد و هر کس بغیر آن باشد هلاک می گردد.

قال زين العابدين عليه السلام: ان افضل الأعمال عندالله ما عمل بالسنة و ان قل.

میزان الحکمة ج ۴ ص ۵۶۴

یعنی: همانا بهترین اعمال نزد خداوند آن عملی است که با سنت باشد و اگر چه کم باشد.

۲. من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۳۴ - الجعفریات ص ۱۶

که این مقدار آب را برای وضوء و غسل کم می‌دانند، پس آنها بر خلاف سنت من عمل می‌کنند، و عمل کننده بر سنتم با من در بهشت است.

(حدیث سی و هفتم)

قال النبی ﷺ: سیأتی اقوام یعملون بالمعاصی و یقولون هی من الله فاذا رأیتموهم فکذبوهم ثلاث مرات (۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: بدین زودی گروهی می‌آیند که مرتکب معصیت می‌شوند و می‌گویند این از خواسته الهی است، پس زمانی که آنها را دیدید تکذیبشان کنید و از خود دور نمائید. و این را سه بار فرمود.

(حدیث سی و هشتم)

قال علی علیه السلام: سیأتی اقوام یقیسون (۱) و هم اعداء الدین، و اول من قاس

حدیث سی و هفتم

۱. متشابه القرآن ج ۱ ص ۱۱۸

حدیث سی و هشتم

۱. در روایت است که ابن شرمه و ابوحنیفه بر امام صادق علیه السلام وارد شدند. آن حضرت به ابوحنیفه فرمود: از خداوند بپرهیز و با نظریات در دین قیاس ←

ابلیس (۲).

حضرت علی علیه السلام فرمود: بدین زودی اقوامی می آیند که اهل قیاس چهستند و قیاس می کنند، آنها دشمنان دین می باشند و اول کسی که قیاس کرد ابلیس بود.

(حدیث سی و نهم)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یا ابازر یكون فی آخر الزمان قوم یلبسون الصوف فی صیفهم و شتائهم یرون ان لهم الفضل بذلک علی غیرهم^(۱)، اولئک

→ مکن، چرا که اول کسی که قیاس کرد ابلیس بود، زیرا خداوند او را به سجده بر آدم امر کرد، ابلیس خودداری کرد و گفت: من بهتر از آدم هستم چرا که مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای.

سپس امام علیه السلام فرمود: آیا بول کثیف‌تر است یا منی؟ ابو حنیفه گفت: بول. امام علیه السلام فرمود: با این قیاس تو غسل بر بول واجب است نه بر منی، و در حالی که خداوند غسل را بر منی واجب کرده است نه بر بول. میزان الحکمة ج ۱ ص ۲۹۲.
۲. الخصال ج ۲ ص ۶۱۵.

حدیث سی و نهم

۱. قال علی علیه السلام: من صنع شیئاً للمفاخرة حشره الله یوم القيامة أسود.

قصار الجمل ج ۲ ص ۱۱۱.

یعنی: کسی چیزی را به خاطر فخر فروشی و برتری جوئی انجام دهد خداوند روز قیامت او را با روی سیاه محشور می کند.

تلعنهم ملائكة السموات و الارض (۲).

حضرت رسول ﷺ فرمود: ای اباذر در آخر زمان مردمی می آیند که لباس پشمین را در تابستان و زمستان می پوشند، فضل و برتری خود بر دیگران را در آن می بینند، آنها کسانی هستند که ملائکه آسمانها و زمین لعنتشان می کنند.

(حدیث چهارم)

قال رسول الله ﷺ: يا علي اعجب الناس ايماناً و اعظمهم يقيناً قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي و حجب عنهم الحجة فأمنوا بسواد علي بياض (۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: ای علی عجیب ترین مردمان از لحاظ

قال علي عليه السلام: سكر الغفلة و الغرور ابعد افاقة من سكر الخمر. الحديث ج ۲ ص ۳۴۳.

یعنی: مستان غفلت و غرور خیلی دیرتر از مستان شراب به خود می آیند.

قال علي عليه السلام: اهلك الناس اثنان: خوف الفقر و طلب الفخر. قصار الجمل ج ۲ ص ۱۱۱.

یعنی: مردم به خاطر دو چیز هلاک می گردند: ترس از فقر، و طلب فخر و برتری جوئی.

۲. مکارم الاخلاق ص ۴۷۱.

حدیث چهارم

۱. مکارم الاخلاق ص ۴۴۰.

ایمان و بزرگی یقینشان قومی هستند که در آخر زمان می‌باشند، پیامبر را ندیده‌اند و حجت و امامشان در پرده غیبت است و آنها به سیاهی که بر روی سفیدی است ایمان می‌آورند.

(حدیث چهل و یکم)

عن امیر المؤمنین علیه السلام قال: يظهر في آخر الزمان و اقتراب القيامة و هو شر الازمنة نسوة متبرجات كاشفات، عاريات من الدين، داخلات في الفتن، مائلات الى الشهوات، مسرعات الى اللذات، مستحلات للمحرمات، في جهنم خالدات^(۱).

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: زمانی در آخر زمان و نزدیکی قیامت ظاهر می‌شود که آن بدترین زمانهاست، زنانی زیبا، دلنشین و عریان و بدور از دین می‌آیند، داخل در فتنه‌ها می‌شوند، بسوی شهوت رانی می‌روند و بسوی لذتها می‌دوند، محرمات را حلال می‌شمرند، آنها در جهنم ابدی جای دارند.

حدیث چهل و یکم

(حدیث چهل و دوم)

عن النبی ﷺ انه قال: سیاتی فی آخر الزمان علماء^(۱) یزهدون فی الدنیا و لایزهدون و یرغبون فی الآخرة و لایرغبون و ینهون عن الدخول علی الولاة و لاینتهون و یباعدون الفقراء و یقربون الاغنیاء اولئک هم الجبارون اعداء الله^(۲).

حضرت رسول ﷺ فرمود: در آخر زمان علمائی می آیند که در دنیا زهد می ورزند در حالی که اهل زهد نیستند (زهدشان ریائی است) و به آخرت رغبت نشان می دهند در حالی که رغبتی به آن ندارند، از داخل شدن بر دستگاه حکومت ستمگر نهی می کنند و خود بر آن

حدیث چهل و دوم

۱. قیل رسول الله ﷺ ای الناس شر؟ قال العلماء اذا فسدوا. قصار الجمل ج ۲ ص ۶۵.
از رسول خدا ﷺ سؤال شد: کدام یک از مردمان بدتر هستند؟ فرمود: علماء زمانی که فاسد شوند.

قال علی علیه السلام: معصية العالم اذا خفيت لم تضر الا صاحبها و اذا ظهرت ضرت صاحبها و العامة. قصار الجمل ج ۲ ص ۶۴.

یعنی: عالم زمانی که در پنهانی گناه می کند ضرر نمی زند مگر به خودش و زمانی که گناهِش آشکار شود هم به خود و هم به جامعه ضرر می زند.

قال عیسیٰ علیه السلام: ویل للعلماء السوء کیف تلظى علیهم النار. قصار الجمل ج ۲ ص ۶۶.
یعنی: وای به حال علماء بد که چگونه آتش جهنم بر آنها شعله ور می شود.

وارد می شوند، فقراء را از خود دور می کنند و به ثروتمندان نزدیک می شوند، که آنها جزء ستمکاران و دشمنان الهی هستند.

(حدیث چهل و سوم)

قال الرسول الله ﷺ: ياتي على الناس زمان يخيّر الرجل بين العجز^(۱) و الفخور فمن ادرك ذلك الزمان فليخيّر العجز على الفخور^(۲).

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که مرد بین عجز و ناتوانی، و فخر و بزرگی مخیر می باشد پس هر کسی آن زمان را درک کند، عجز و ناتوانی را بر فخر و برتری جوئی ترجیح دهد.

(حدیث چهل و چهارم)

قال الرسول الله ﷺ: ياتي على الناس زمان امرأؤهم يكونون على الجور و علماؤهم على الطمع و عبادهم على الرياء و تجارهم على أكل الربا و نساؤهم على زينة الدنيا و غلمانهم فى التزويج فعند ذلك كساد امتى

حدیث چهل و سوم

۱. قال على عليه السلام: العجز مع لزوم الخير خير من القدرة مع ركوب الشر.

میزان الحکمة ج ۶ ص ۶۲.

یعنی: ناتوانی با خیر و نیکی بهتر است از قدرت و توانائی همراه با شر و بدی.

۲. روضة الواعظین ص ۴۸۵

ككساد الاسواق و ليس فيها مستقيم الاموات آيسون في قبورهم من خيرهم و لا يعيشتون الاخيار فيهم فعند ذلك الزمان الهرب خير من القيام^(۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که حاکمانشان بر جور و ستم، و علمائشان بر طمع و بنده هایشان بر ریا، و تجارشان بر خوردن ریا و زنانشان بر آرایش دنیای خود و پسرانشان در تزویج دیگران قرار می گیرند.

پس در آن زمان کمی اتمم مانند کساد بازار است و در آن سراغی از هدایت نیست، مردگان در قبرهایشان از خیر آنها مایوس هستند، و نیکان در بین آنها زندگی نمی کنند، پس در آن زمان فرار کردن بهتر از قیام نمودن و جنگ کردن است.

﴿ حدیث چهل و پنجم ﴾

قال الرسول الله ﷺ: ياتي على الناس زمان الصابر منهم على دينه كالقايض على الجمرة^(۱).

حدیث چهل و چهارم

۱. جامع الاخبار ص ۱۳۰ - مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۳۷۶

حدیث چهل و پنجم

۱. جامع الاخبار ص ۱۳۰

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که صبرکننده از آنها بر/دینش مانند دست فروکننده بر درختی خاردار است.

(حدیث چهل و ششم)

قال رسول الله ﷺ: يأتى على الناس زمان وجوههم وجوه الأدميين و قلوبهم قلوب الشياطين كأمثال الذباب الضرار سفاكون للدماء لا يتناهون عن منكر فعلوه، ان تابعتهم ار تابوك و ان حدثتهم كذبوك، و ان تواريت عنهم اغتابوك، السنة فيهم بدعة و البدعة فيهم سنة و الحليم بينهم غادر و الغادر بينهم حليم و المؤمن فيما بينهم مستضعف و الفاسق فيما بينهم مشرف، صبيانهم عارم و نساؤهم شاطر و شيخهم لا يامر بالمعروف و لا ينهى عن المنكر، الالتجاء اليهم خزي و الاعتداد بهم ذلّ و طلب ما فى ايديهم فقر فعند ذلك يحرمهم الله قطر السماء فى أوانه و ينزله فى غير اوانه يسلّط عليهم شرارهم فيسومونهم سوء العذاب، يذبحون ابناءهم و يستحيون نساءهم فيدعوا خيارهم فلا يستجاب لهم^(۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که صورتشان صورت آدمیزاد و قلبهایشان قلبهای شیاطین است مانند مگسهای مضرّی که تشنه خون هستند. از منکرات نهی نمی کنند بلکه مرتکب

حدیث چهل و ششم

آن هم می شوند. اگر از آنها پیروی کنی پیش آنها عزیز هستی و اگر با آنها به مقابله بر خیزی تو را تکذیب کرده و طرد می کنند و اگر از آنها به دور باشی بدگوئی ترا می کنند.

سنت الهی در بین آنها بدعت و بدعت در بینشان سنت است. شخص بردبار در بین آنها خائن و خائن در بینشان حلیم و بردبار است، مؤمن در بینشان پست و بی احترام و فاسق در بینشان عزیز و گرامی است. بچه هایشان بدخو و آزار دهنده و زنانشان پست و خائن، و پیرانشان امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند. التجا کننده به سوی آنها خوار و به آنها گروندگان ذلیل است، و طلب نمودن آنچه که در دست آنهاست فقر است.

خداوند در آن هنگام آمدن باران را در فصل خود از آنها محروم می کند و باران را در غیر فصل خود نازل می فرماید، و بدترینشان را بر آنها مسلط می گرداند و به بدترین عذاب گرفتار می شوند، فرزندانشان را قربانی می کنند و از زنانشان شرم و حیاء می نمایند، پس نیکانشان دعا نمایند و به اجابت نرسد.

(حدیث چهل و هفتم)

قال رسول الله ﷺ: يأتى على الناس زمان يكون الناس فيه ذئاباً فمن لم

يَكُنْ ذَنْباً أَكَلَتْهُ الذَّنَابُ (۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی می آید که مردم در آن زمان گرگ می باشند و هر کسی گرگ نباشد گرگان دیگر او را خواهند خورد.

(حدیث چهل و هشتم)

قال الرسول الله ﷺ: ياتى على الناس زمان لا يبالي الرجل ماتلف من دینه اذا سلمت له دنياه (۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که شخص آنچه که از دینش از بین می رود و تلف می شود، دلتنگ و ناراحت نمی گردد تا زمانی که دنیايش سالم هست.

(حدیث چهل و نهم)

قال النبی ﷺ: سیاتی علی امتی لا يعرفون العلماء الا بثوب حسن، و لا يعرفون القرآن الا بصوت حسن، و لا یعبدون الله الا فی شهر رمضان، فاذا

حدیث چهل و هفتم

۱. تحف العقول ص ۵۴.

حدیث چهل و هشتم

۱. تحف العقول ص ۵۲.

كان كذلك سلط الله عليهم سلطاناً لا علم له ولا حلم له ولا رحم له^(۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: بدین زودی زمانی بر امت می آید که علماء را نمی شناسند مگر به لباس زیبا و نیکو، و قرآن را نمی شناسند مگر به صوت زیبا و خداوند را عبادت نمی کنند مگر در ماه مبارک رمضان، پس زمانی که این چنین باشد خداوند سلطانی را بر آنها مسلط می کند که نه علمی دارد و نه حلم و بردباری و نه رحم و مروّتی.

(حدیث پنجاه)

قال رسول الله ﷺ: سيأتي زمان على امتي يفرون من العلماء^(۱) كما يفرون

حدیث چهل و نهم

۱. جامع الاخبار ص ۱۳۰

حدیث پنجاه

۱. قال على ﷺ: من وقر عالماً فقد وقر ربه. ميزان الحكمة ج ۶ ص ۴۸۹.

یعنی: هر کسی عالمی را احترام کند همانا خدایش را محترم شمرده است.

قال الرسول ﷺ: من استقبل العلماء فقد استقبلني، و من زار العلماء فقد زارني و من

جالس العلماء فقد جالسني، و من جالسني فكانما جالس ربي. ميزان الحكمة ج ۶ ص ۴۸۹.

یعنی: هر کس از علماء استقبال کند به تحقیق از من استقبال کرده است، و هر

کس با علماء دیدار نماید، همانا مرا دیدار کرده است و هر کسی با علماء بنشیند

همانا با من همنشین شده است و هر کس با من همنشین شود مانند این است ←

الغنم عن الذئب فاذا كان ذلك، ابتلاهم الله تعالى بثلاثة اشياء، الاول يرفع البركة من اموالهم، و الثاني سلط الله عليهم سلطاناً جائراً، و الثالث يخرجون من الدنيا بلايمان^(۲).

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی بر امتم می آید که از علماء فرار می کنند همچنانکه گوسفند از گرگ فرار می کند پس زمانی که این چنین شود خداوند آنها را به سه چیز مبتلاء می کند. اول: خیر و برکت را از اموالشان برداشته می شود، دوم: خداوند سلطانی ستمکار بر آنها مسلط می گرداند، سوم: بدون ایمان از دنیا خارج می شوند.

(حدیث پنجاه و یکم)

قال الصادق عليه السلام: اذا اصابكم بلية وعناء فعليكم بقم^(۱) فانه مأوى

→ که با خدایم همنشین شده است.

۲. جامع الاخبار ص ۱۳۰.

حدیث پنجاه و یکم

۱. قال الصادق عليه السلام: انما سمى قم لان اهلها يجتمعون مع قائم آل محمد و يقومون معه و يستقيمون عليه و ينصرونه. الحكم الزاهره ص ۱۶۶.

یعنی: برای این قم نامیده شده که اهل آن با حضرت مهدی (عج) قیام می کنند و پایدار می مانند و او را یاری می نمایند.

عن ابي الحسن الرضا عليه السلام قال: ان للجنة ثمانية ابواب و لاهل قم واحد منها فطوبى ←

الفاطمیین و مستراح المؤمنین و سیاتی زمان ینفر اولیاؤنا و محبوبنا عنا و یبعدون منا^(۲) و ذلك مصلحة لهم لكيلا يعرفوا بولایتنا و یحقنوا بذلك دماءهم و ما اراد احد بقم و اهله سوءاً الا اذله الله و ابعده من رحمته^(۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که بلاء و گرفتاری به شما رسید پس بر شما باد به قم رفتن، که آن مأوای شیعیان و استراحت گاه مؤمنین است، و بدین زودی زمانی می آید که دوستان و اولیاء ما از ما فرار می کنند و از ما دور می گردند و آن به خاطر مصلحت آنهاست که اگر به ولایت ما شناخته شوند خونشان ریخته می شود و کسی به قم و

→ لهم ثم طوبى لهم ثم طوبى لهم.الحکم الزاهره ص ۱۶۷.

یعنی: همانا برای بهشت هشت در است و یک در آن مخصوص اهل قم است پس خوشا به حال اهل قم، خوشا به حال آنها، خوشا به حال آنها.

۲. قال علی علیه السلام: من احبنا بقلبه و ابغضنا بلسانه فهو فی الجنة.

میزان الحکمة ج ۱۰ ص ۶۶۸.

یعنی: هر کس ما را با قلبش دوست بدارد و با زبانش اظهار دشمنی نماید - تقیه کند - او در بهشت است.

قال ابو جعفر علیه السلام: التقية من دینی و دین آبائی و لا ایمان لمن لا تقية له.

اصول کافی ج ۲ ص ۲۱۹.

یعنی: تقیه کردن از دین من و دین پدران من است و ایمان ندارد کسی که تقیه نمی کند.

۳. بحار الانوار ج ۵۷ ص ۲۱۵.

اهل آن شر و بدی را اراده نمی‌کند مگر اینکه خداوند او را خوار و ذلیل می‌گرداند و از رحمت خود دور می‌نماید.

«حدیث پنجاه و دوم»

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سیاتی زمان تكون بلدة قم و اهلها حجة على الخلائق و ذلك في زمان غيبة قائمنا عليه السلام الى ظهوره و لولا ذلك لساخت الارض باهلها و ان الملائكة لتدفع البلائيا عن قم و اهله و ما قصده جبار بسوء الاقصمه قاصم الجبارين و شغله عنهم بدهاية او مصيبة او عدوه و ينسى الله الجبارين في دولتهم ذكر قم و اهله كما نسوا ذكر الله ^(۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی می‌آید که شهر قم و اهل آن حجت بر سایرین باشد و آن در زمان غیبت قائم ما امام زمان (عج) تا ظهور آن حضرت است و اگر آن نباشد زمین بر اهلش تنگ می‌شود. و اینکه خداوند بلاها را از قم و اهل آن دفع می‌گرداند و هر ستمکاری که قصد ستمکاری بر قم و اهل آن را داشته باشد، از بین برنده ستمها آن را از بین می‌برد و خداوند آنها را به بلاءهای ناگهانی یا مصیبتی یا دشمنانی مشغول می‌دارد و ستمکاران را در حکومتشان از به یادآوری قم و اهل آن به فراموشی می‌برد همچنانکه ذکر الهی را از

حدیث پنجاه و دوم

یاد آنان برده است.

«حدیث پنجاه و سوم»

قال رسول الله ﷺ: سيأتي زمان على امتي ياكلون شيئاً اسمه البنجُ أنا بريءٌ منهم و هم بريئون مني^(۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: بدین زودی زمانی بر امت می آید، چیزی را که اسمش بنگ است را می خورند من از آنها بیزارم و آنها هم از من به دور می باشند.

«حدیث پنجاه و چهارم»

عن محمد بن عبد الجبار عن الامام الحسن العسكري ﷺ انه قال لابي هاشم الجعفری، يا اباهاشم سيأتي زمان على الناس وجوههم ضاحكة مستبشرة و قلوبهم مظلمة متكدرة، السنة فيهم بدعة، و البدعة فيهم سنة، المؤمن بينهم محقر^(۱)، و الفاسق بينهم موقر، امراؤهم جاهلون جائرون و

حدیث پنجاه و سوم

۱. مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۸۵.

حدیث پنجاه و چهارم

۱. قال الصادق ﷺ: المؤمن اعظم حرمة من الكعبة. ميزان الحكمة ج ۱ ص ۳۳۰.

یعنی: مؤمن حرمتش از کعبه عظیم تر و بزرگتر است.

علماءُهم فی ابواب الظلمة، اغنياؤهم يسرقون زاد الفقراء، و اصاغرهم يتقدمون على الكبراء، و كل جاهل عندهم خبير^(۲)، و كل محیل عندهم فقیر لا یمیّزون بین المخلص و المرتاب لا يعرفون الضآن من الذئاب، علماءهم شرار الخلق الله على وجه الارض لانهم یميلون الى الفلسفه و التصوف و ایم الله انهم من اهل العدول و التحرف یبالغون فی حب مخالفینا و یضلون شیعتنا و موالینا ان نالوا منصباً لم یسبغوا عن الرشاء و ان خذلوا عبدوا الله على الریاء ألا انهم قطاع طریق المؤمنین و الدعاءة الى یخلة الملحدين فمن ادركهم فلیحذرهم و لیصن دینه و ایمانه. ثم قال: یا اباهاشم هذا ما حدثنی ابی عن آباءه جعفر بن محمد عليه السلام و هو من اسرارنا فاكتمه الا عن اهله^(۳).

امام حسن عسکری عليه السلام به ابو هاشم فرمود: ای ابو هاشم بدین زودی زمانی می آید که مردمان صورتهايشان خندان و شاداب و قلبهايشان

قال الرسول صلی الله علیه و آله: من احزن مؤمناً ثم اعطاه الدنيا لم یکن ذلك كفارة و لم یوجر علیه.

فیض عرشى ص ۱۶۱.

یعنی: هر کس مومنی را محزون کند و سپس دنیا را به او اعطاء نماید کفارة آن نمی باشد و هیچ اجری هم از آن نمی برد.

قال الرسول صلی الله علیه و آله: من اذل مؤمناً اذله الله. الحکم الزاهره ص ۲۹۷.

یعنی: هر کسی مومنی را خوار و ذلیل کند خداوند او را خوار و ذلیل می کند.

۲. قال علی عليه السلام: من صحب جاهلاً نقص من عقله. قصار الجمل ج ۱ ص ۱۲۸.

یعنی: کسی که با شخص جاهل و نادان هم صحبت شود از عقلش کم می شود.

۳. مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۳۸۰.

تاریک و مکدر است. سنت اسلام در بین آن مردم بدعت و بدعت سنت است. شخص مؤمن بینشان حقیر و پست، و فاسق مورد احترام است. حاکمانشان جاهل و ستمکار، و علمائشان در حکومت ظالمان است. ثروتمندان زاد و توشه فقراء را می دزدند، و کوچکانشان بر بزرگانشان پیشی می گیرند، و هر شخص نادانی نزد آنها خبیر و دانا، و افراد بی حاصل فقیر است، اشخاص با اخلاص و حيله گر از هم تشخيص داده نمی شوند، و گوسفند را از گرگ نمی شناسند.

علماء آنها بدترین خلق الهی بر روی زمین هستند، به خاطر اینکه میل به فلسفه و صوفیگری دارند، به خدا سوگند آنها از عدول کنندگان و کناره گیران هستند. اگر به منصبی برسند از رشوه خواری سیر نمی شوند، و اگر از آن منصب کنار گذاشته شوند، خداوند را با حالت ریا عبادت می کنند. آگاه باشید که آنها دزدان سرگردنه مسیر مؤمنین هستند و بسوی ملحدین و کفار می خوانند. پس کسی که آنها را درک کند از آنها بر حذر باشد تا دین و ایمانش در امان بماند. و سپس فرمود: ای ابو هاشم این حدیثی است که پدرم از پدران گرامیش از جعفر ابن محمد رضی الله عنه روایت کرده است و آن از اسرار ماست، پس آن را به غیر از اهلش پنهان دار.

(حدیث پنجاه و پنجم)

عن جابر بن عبدالله عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: سمعته يقول: اللهم اغفر

للمؤذنين، ثلاثاً. فقلت له يا رسول الله انا نضرب بالسيف على الاذان و ما دعوت لنا كما تدعوا للمؤذنين. فقال: يا جابر اعلم انه سيأتي زمان على الناس يكلون الاذان^(۱) الى الضعفاء و انّ لحوماً محرّمة على النار و هي

حديث پنجاه و پنجم

۱. قال الرسول ﷺ: من اذن اثني عشرة سنة، وجبت له الجنة، و كتب له بتأذینه في كل

مرة ستون حسنة، و بكل اقامة ثلاثون حسنة. مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۰.

يعنى: هر کس دوازده سال اذان بگوید، بهشت به او واجب می شود، و برای هر اذانش در هر بار شصت حسنة نوشته می شود و برای هر اقامه اش سی حسنة.

قال الرسول ﷺ: ثلاثة لا يبالون بالحساب، و لا يخافون الصيحة و الفرع الاكبر: رجل تعلم القرآن، و حفظه و عمل به، فانه يأتي تعالى سيدا شريفا، و مؤذن اذن سبع سنين، لم يطمع في اذانه اجراً، و عبد اطاع الله، و اطاع سيده. مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۱.

يعنى: سه گروه هستند که هيچ إيايى از حساب الهى ندارند و از صيحه و فرع اكبر قيامت نمى ترسند: مردى که قرآن ياد مى گيرد، آن را حفظ مى کند و به آن عمل مى نمايد، که او به نزد الهى آقايبى شريف حاضر مى شود. و اذان گوئى که هفت سال اذان گفته و هيچ مزدى نگرفته است، و بنده اى که خدا را و آقايش را اطاعت کرده است.

قال الرسول ﷺ: المؤذنون اطول الناس اعناقاً يوم القيامة. مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۲.

يعنى: گويندگان اذان سربلندترين مردم در روز قيامت هستند.

قال الرسول ﷺ: اذا كان يوم القيامة، ينادى المنادى: اين اضياف الله؟ فيؤتى

بالصائمين و ينادى: اين رعاة الشمس و القمر؟ فيؤتى بالمؤذنين، فيحملون على نجب

من نور، و على رؤوسهم تاج الكرامة، و يذهب بهم الى الجنة. مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۲

لحوم المؤذنین^(۲).

جابر می گوید که از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: پروردگارا گویندگان اذان را بیاموز. و این را سه مرتبه فرمودند. عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ ما با شمشیر اذان می گوئیم و دعائی برای ما نکردید همچنانکه برای گویندگان اذان فرمودید. فرمود: ای جابر، بدان که بدین زودی زمانی می آید که اذان را به گردن ضعیفان بیندازند، و آن گوشتی که بر آتش جهنم حرام است گوشت گویندگان اذان است.

(حدیث پنجاه و ششم)

قال رسول الله ﷺ: یاتی زمان یذوب فیہ قلب المؤمن کما یذوب الملح فی الماء. قیل: بم ذلک؟ قال: مما یری من المنکر لا یستطیع تغیره^(۱).

یعنی: زمانی که روز قیامت شود، منادی ندا می کند: کجا هستند مهمانان الهی؟ روزه داران می آیند. و منادی ندا می کند: کجا هستند زیر نظر دارندگان خورشید و ماه؟ اذان گویان می آیند، که بر پیشانی شان نور و بر روی سرشان تاج کرامت حمل می کنند و با آن حالت بسوی بهشت می روند.

۲. مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۲.

حدیث پنجاه و ششم

۱. مجموعه زرام ج ۲ ص ۳۲.

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی می آید که قلب مومن در آن زمان حل و ذوب شود مانند نمکی که در آب حل می گردد. گفته شد: برای چه؟ فرمود: به خاطر اینکه منکراتی را می بیند ولی قدرت بر تغییر و جلوگیری از آن را ندارد.

(حدیث پنجاه و هفتم)

قال رسول الله ﷺ: سیاتی علی الناس زمان تخبت فیه سرائرهم و تحسن فیه علانیتهم^(۱) طمعاً فی الدنيا لا یریدون به ما عند ربهم، یكون دینهم ریاء^(۲) لا یخالطهم خوف یعمهم الله بعقابٍ فیدعونه دُعاء الغریق

حدیث پنجاه و هفتم

۱. قال علی علیه السلام: ما أقبح بالانسان باطناً علیلاً و ظاهراً جمیلاً. میزان الحکمة ج ۴ ص ۲۲.
یعنی: چه زشت و قبیح است انسانی که باطنی علیل و ظاهری زیبا دارد.
قال لقمان: یا بنی لاتر الناس انک تخشی الله و قلبک فاجر. میزان الحکمة ج ۴ ص ۲۲.
یعنی: ای فرزند مردم تو را در حالی نبینند که تو از خداوند بترسی ولی قلبت معصیت کار باشد.

۲. قال الرسول ﷺ: ان المرأی ینادی یوم القیامة: یا فاجر یا غادر یا مرأی ضلّ عملک و بطل أجرک اذهب فخذ اجرک ممن کنت تعمل له. میزان الحکمة ج ۴ ص ۲۵.
یعنی: روز قیامت شخص ریاکار را صدا می کنند: ای معصیت کار، ای خائن، ای ریاکار عملت به بیراهه رفت و اجر و ثوابت باطل شد، برو و اجرت را از کسی بگیر که عملت را برای او انجام داده ای.

فلا يستجيب لهم^(۳).

حضرت رسول ﷺ فرمود: بدین زودی زمانی بر مردم می آید که به خاطر طمع به دنیا باطنشان پست و ظاهرشان نیکو و آراسته باشد و آنچه را که نزد پروردگارشان است را اراده نمی کنند، دینشان ریائی است و ترسی که آنها را از عقاب الهی در امان دارد را در وجودشان ندارند پس در آن هنگام دعاء غریق می خوانند و در حقشان به اجابت نمی رسد.

«حدیث پنجاه و هشتم»

قال عمر بن الخطاب: اقبل النصيحة و لاتعارض بالحمية، فانی سمعت رسول الله ﷺ يقول: سیاتی علی الناس زمان التزكية لهم احب اليهم من النصيحة^(۱).

۳. کافی ج ۲ ص ۲۹۶ - مجموعه ورام ج ۲ ص ۲۰۵ - منتخب الاثر ص ۴۲۶.

حدیث پنجاه و هشتم

۱. مجموعه ورام ج ۲ ص ۲۸۶.

قال علی علیه السلام: النصیح ثمره المحبة. میزان الحکمة ج ۱۰ ص ۵۶.

یعنی: نصیحت کردن ثمره محبت است.

قال علی علیه السلام: من قبل النصيحة أمن من الفضيحة. میزان الحکمة ج ۱۰ ص ۶۰.

یعنی: کسی که نصیحت را قبول کند از رسوائی در امان می ماند.

قال علی علیه السلام: مرارة النصیح انفع من حلاوة العش. میزان الحکمة ج ۱۰ ص ۶۰.

عمر گوید: نصیحت را قبول کن که آن با مروت تعارضی ندارد، چرا که/ از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: بدین زودی زمانی بر مردم می آید که تزکیه برای آنها دوست داشتنی تر است از قبول نصیحت.

(حدیث پنجاه و نهم)

روی عن ابن مسعود قال: قال رسول الله ﷺ: ليأتين على الناس زمان لا يسلم لذي دين دينه الا من يفر من شاهق الى شاهق، و من حجر الى حجر كالثعلب باشباله، قالوا: و متى ذلك الزمان؟ قال: اذا لم ينل المعيشة^(۱) الا

يعنى: تلخى نصيحت سودمندتر است از شیرینی حيله و نیرنگ.

قال الباقر عليه السلام: اتبع من يبيك و هو لك ناصح، و لا تتبع من يضحك و هو لك غاش. ميزان الحكمة ج ۱۰ ص ۶۱.

يعنى: کسی که ترا می گریاند و پند و اندرز دهنده توست از او متابعت کن، و کسی که ترا می خنداند و او حيله گر و نیرنگ زن توست متابعت مکن.

حدیث پنجاه و نهم

۱. قال الصادق عليه السلام: ثلاثة تكدر العيش: السلطان الجائر، و الجار السوء، و المرأة البذية.

ميزان الحكمة ج ۷ ص ۱۵۹.

يعنى: سه چیز زندگانی را تیره و تار می کند: پادشاه ستمکار، همسایه بد و زن دشنام گو و ناسزا دهنده و بدزبان.

عن ابى خالد سجستاني، عن ابى عبدالله عليه السلام قال: خمس خصال من فقد منهن واحدة لم يزل ناقص العيش زائل العقل، مشغول القلب، فأولها: صحة البدن، و الثانية: الأمن، و

الثالثة: السعة من الرزق، و الرابعة: الأنيس الموافق. قلت: و ما الأنيس الموافق؟

بمعاصی الله فعند ذلك حلت العزوبة. قالوا: يا رسول الله امرتنا بالتزويج؟ قال: بلى ولكن اذا كان ذلك الزمان فهلاك الرجل على يدي ابويه فان لم يكن له ابوان، فعلى يدي زوجته و ولده فان لم يكن له زوجة و لاولد فعلى يدي قرابته، و جيرانه، قالوا و كيف ذلك يا رسول الله؟ قال: يعيرونه لضيق المعيشة، و يكلفوه ما لا يطيق حتى يوردونه موارد الهلكة^(۲).

رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که هیچ صاحب دینی، دینش سالم نمی ماند مگر کسی که از بالای کوهی به بالای کوهی دیگر و از بالای سنگی به بالای سنگی دیگر، مانند روباهی که از ترس با بچه اش فرار می کند، فرار کند.

گفتند: آن چه زمانی است؟ فرمود: زمانی که معیشت زندگی جز به نافرمانی الهی نیست. و در آن هنگام عزوبت حلال می گردد. گفتند:

قال: الزوجة الصالحة، والولد الصالح، و الخلیط الصالح و الخامسة: و هی تجمع هذه الخصال: الذعة. میزان الحکمة ج ۷ ص ۱۶۰.

یعنی: ابی خالد سجستانی گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: پنج خصلت است که اگر یکی از آنها در کسی از بین برود زندگانش ناقص می شود، عقلش زائل می گردد و قلبش مشغول می شود. اول: سلامتی بدن. دوم: امنیت، سوم: وسعت روزی، چهارم: همدمی موافق، عرض کردم: همدم موافق چیست؟ فرمود: زنی صالحه، فرزندی صالح و شریک نیک و صالح. پنجم: و این خصلتها در نرمی و ملایمت جمع می گردند.

ای رسول خدا ﷺ ما را امر به ازدواج می‌کنی؟ فرمود: بلی و لکن در آن زمان هلاک مرد به دست پدر و مادرش است و اگر پدر و مادرش زنده نباشند به دست زن و فرزندش است و اگر زن و فرزندش نداشته باشد به دست نزدیکان و همسایگانش است. گفتند: آن چگونه است ای رسول خدا ﷺ؟ فرمود: به خاطر تنگی معیشت به او عیب و ایراد بگیرند و آنچه که در طاقت او نیست او را وادار به انجام آن کار می‌کنند تا به هلاکت برسد.

(حدیث شصت)

قال علی عليه السلام: سيأتي على الناس بعد برهة من دهرهم ملوك بعدى و بعد هؤلاء يغيرون دين الله عزوجل و يحرفون كلامه، و يقتلون اولياء الله، و يعزّون اعداء الله، و بهم تكثر البدع، و تدرس السنن حتى تملأ الارض جوراً و عدواناً و بدعاً، ثم يكشف الله بنا اهل البيت جميع البليات عن اهل دعوة الله بعد شدة من البلاء العظيم حتى تملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً^(۱).

حضرت علی عليه السلام فرمود: بدین زودی روزگاری بر مردم می‌آید که حاکمان بعد از من و بعد از آنها دین خداوند را تغییر می‌دهند و کلام

حدیث شصت

الهی را تحریف می کنند، اولیاء الہی را می کشند و دشمنان الہی را عزیز و گرامی می دارند، و بوسیله آنها بدعتها زیاد می شود و نشانه های سنت الہی از بین می رود تا اینکه زمین را ستم و دشمنی با ما و بدعت پر می کند.

سپس خداوند بوسیله ما اهل بیت همه بلاها را از دعوت کنندگان به دین الہی که متحمل سخت ترین و بزرگترین بلاء شده اند برطرف می نماید تا اینکه زمین پر از قسط و عدل می شود بعد از آنکه از ظلم و ستم پر شده بود.

﴿ حدیث شصت و یکم ﴾

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: یا خثیمة ان الاسلام بدیء غریباً و سيعود غریباً فطوبی للغریاء یا خثیمة سیاتی علی الناس زمان لا یعرفون الله ما هو و التوحید حتی یكون خروج الدجال و حتی ینزل عیسی ابن مریم علیه السلام من السماء و یقتل الله الدجال علی یدیہ و یصلی بهم منا اهل البیت الأتری ان عیسی یصلی خلفنا و هو نبی ألا و نحن افضل منه ^(۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: ای خثیمه اسلام با غربت شروع شد و چه زود غریبی آن بر می گردد، پس خوشا به حال غریبان. ای خثیمه

حدیث شصت و یکم

بدین زودی زمانی بر مردم می آید که خداوند و یگانگی او را آن چنان که هست نمی شناسند تا اینکه دجال خروج می کند و عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می آید و خداوند دجال را به دست او می کشد و با مردی از ما اهل بیت علیهم السلام نماز می خواند، آیا نمی بینی که عیسی پشت ما نماز می خواند، در حالیکه او پیامبر است و ما بهتر از او هستیم.

(حدیث شصت و دوم)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: سيأتي على الناس زمان بطونهم آلهتهم و نساؤهم قبلتهم و دنانيرهم دينهم^(۱) و شرفهم^(۲) متاعهم و لا يبقى من الايمان الا

حدیث شصت و دوم

۱. قال علي عليه السلام: حب المال سبب الفتن. ميزان الحكمة ج ۹ ص ۲۸۰.

یعنی: دوست داشتن مال سبب فتنه هاست.

قال الرسول صلى الله عليه وآله: ان الدينار و الدرهم اهلکا من كان قبلکم و هما مهلکاکم.

ميزان الحكمة ج ۹ ص ۲۷۸.

یعنی: همانا درهم و دینار افرادی که قبل از شما بودند را هلاک کرد و شماها را نیز هلاک می کند.

۲. قال علي عليه السلام: انما الشرف بالعقل و الأدب، لا بالمال و الحسب.

ميزان الحكمة ج ۵ ص ۵۶.

یعنی: همانا شرافت به عقل و ادب است نه به مال و اصل و نسب.

قال علي عليه السلام: لا شرف كالعلم. ميزان الحكمة ج ۵ ص ۵۷.

اسمه و من الاسلام الا رسمه و من القرآن الا دُرُسُه، مساجدهم معمورة من البناء و قلوبهم خرابٌ عن الهدى، علماؤهم اشرُّ خلق الله على وجه الارض حينئذٍ زمان ابتلاهم الله بأربع خصال، جور من السلطان و قحط من الزمان و ظلم من الولاة و الحكام، فتعجب الصحابة و قالوا: يا رسول الله أيعبدون الصنام؟ قال: نعم، كل درهم عندهم صنم^(۳).

حضرت رسول ﷺ فرمود: بدین زودی زمانی بر مردم می آید که شکمهای آنها خدایشان و زنان آنها قبله هایشان است، و دین آنها دینارهایشان (مال و ثروتشان) و شرفشان متاع آنهاست. از ایمان جز اسمی، و از اسلام جز خطی، و از قرآن جز درسی باقی نمی ماند. مسجدهایشان از جهت بناء آباد، و قلبهایشان از جهت هدایت خراب و ویران است، و علمائشان بدترین خلق الهی بر روی زمین هستند.

در این هنگام خداوند آنها را به چهار خصلت مبتلا می کند: ستم از سلطان، کمی عمرها، و ظلم حاکمان و حکمرانان. یاران پیامبر ﷺ تعجب کرده و گفتند: ای رسول خدا ﷺ آیا آنها بت می پرستند؟

یعنی: شرافتی مانند علم و دانش نیست.

قال علی علیه السلام: لا يكمل الشرف الا بالسخاء و التواضع. میزان الحکمه ج ۵ ص ۵۷

یعنی: شرف به کمال نمی رسد مگر با نیکی و سخاوت، و تواضع کردن.

۳. مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۳۷۶ - جامع الاخبار ص ۱۲۹.

فرمود: بلی، هر یک درهمی (اندک مال و ثروتی) نزد آنها بت است.

(حدیث شصت و سوم)

قال رسول الله ﷺ: انّ الاسلام بدأ غريباً و سيعود غريباً فطوبى للغرباء، فقيل: و من هم يا رسول الله؟ قال: الذين يُصلحون اذا فسد الناس، انه لا وحشته و لا غربة على مؤمن، و ما من مؤمن فى غربة الا بكت الملائكة رحمة له حيث قلت بواكيه، و الا فسح له فى قبره بنور يتألو من حيث دفن الى مسقط رأسه^(۱).

حضرت رسول ﷺ فرمود: اسلام با غربت شروع شد و بدین زودی نیز غریب می شود، و خوشا به حال غریبان. گفته شد: ای رسول خدا ﷺ غرباء چه کسانی هستند؟ فرمود: آن کسانی که وقتی مردم فاسد شدند صالح می مانند. هیچ وحشت و غربتی برای مؤمن نیست و هیچ مؤمنی نیست که در غربت می میرد مگر اینکه ملائکه بر او گریه می کنند و این رحمتی برای اوست هنگامی که گریه کننده هایش کم است. و قبرش بوسیله نوری که از هنگام دفن تا بالای سرش تلولو می شود فراخی می یابد.

«حدیث شصت و چهارم»

قال علی عليه السلام: و ذلك زمان لا ینجو فیہ الا کل مؤمن نومة إن شهد لم یعرف
و إن غاب لم یفتقد. اولئک مصابیح الهدی، و أعلام السّری، لیسوا
بالمساییح و لا المذاییح البذر^(۱) اولئک یفتح اللّٰه لهم أبواب رحمته، و
یکشف عنهم ضرّاء بقمته.

أیها الناس سیأتی علیکم زمان یکفأ فیہ الاسلام کما یکفأ الإناء بما فیہ. آیها
الناس انّ اللّٰه قد أعاذکم من أن یجور علیکم، و لم یعدکم من أن یتلیکم، و قد
قال جلّ من قائل ﴿إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لآیَاتٍ وَّ اءن کنا لمبتلین﴾^(۲).

حضرت علی عليه السلام می فرماید: در آن زمان نجات نمی یابد مگر مؤمن

حدیث شصت و چهارم

۱. قال الرسول صلی الله علیه و آله: من علم من اخیه سیئة فسترها، ستر الله علیه یوم القيامة.

میزان الحکمة ج ۷ ص ۱۴۵.

یعنی: کسی که به گناه برادرش آگاه شود و آن را بپوشاند، خداوند روز قیامت
گناهان او را می پوشاند.

سأل رجل رسول الله صلی الله علیه و آله فقال: أحب ان یستر الله علی عیوبی؟ قال: أستر عیوب
اخوانک یستر الله علیک عیوبک. میزان الحکمة ج ۷ ص ۱۴۵.

یعنی: مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد و گفت: دوست دارم که خداوند
عیبهایم را بپوشاند؟ فرمود: عیبهای برادران دینی ات را بپوشان، و خداوند
عیبهایت را می پوشاند.

۲. نهج البلاغه خطبة ۱۰۳.

بی نام و نشانی که اگر در جمع باشد او را نمی شناسند و اگر غائب باشد کسی سراغ او را نمی گیرد. آنها چراغ هدایت و راهنمای گمراهان هستند. آنها اهل فتنه و سخن چینی نیستند و چون عیب کسی را ببینند آن را فاش نمی سازند، خداوند درهای رحمت خود را به روی آنها باز کرده و عذاب دردناک خویش را از آنان برطرف ساخته است.

ای مردم بدین زودی بر شما زمانی می آید که اسلام را واژگون جلوه دهند همچنانکه آنچه در ظرف است واژگون ساخته و خالی می کنند. ای مردم همانا خداوند شما را از اینکه بر شما ستم روا کند در پناه خود گرفته است و نه اینکه شما را از آزمایش و امتحان خود در پناه خود گرفته باشد، و خداوند عزوجل فرموده است: ﴿همانا در آن نشانه هائیت و اگر چه ما از امتحان شدگان بودیم﴾.

(حدیث شصت و پنجم)

قال رسول الله في موعظة لابن مسعود: يابن مسعود: سيأتي من بعدى اقوام يأكلون طيبات الطعام و ألوانها و يركبون الدواب، و يتزينون بزينة المرأة لزوجها، و يتبرجون تبرج النساء، و زيهم مثل زئ الملوك الجبابرة، هم متافقوا هذه الامة في آخر الزمان، شاربوا القهوات، لاعبون بالكعب، ركبوا الشهوات، تاركوا الجماعات، راقدون عن العتات، مفرطون في الغدوات، يقول الله تعالى: ﴿فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلاة و

اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غياً^(١).

يابن مسعود: مثلهم مثل الدفلى، زهرتها حسنة و طعمها مُرّ، كلامهم الحكمة، و أعمالهم داء لا تقبل الدواء. ﴿أفلا يتدبّرون القرآن أم على قلوب أقفالها﴾^(٢).

يابن مسعود: ما ينفع من يتنعم في الدنيا اذا اخلد في النار ﴿يعلمون ظاهراً من الحياة الدنيا و هم عن الآخرة هم غافلون﴾^(٣) يبنون الدور، و يشيدون القصور، و يزخرفون المساجد، ليست همّتهم إلّا الدنيا، عاكفون عليها، معتمدون فيها، ألهم بطونهم.

قال الله تعالى، ﴿و تتخذون مصانع لعلكم تخلدون﴾ و اذا بطشتم بطشتم جبارين ﴿فاتقوا الله و اطيعون﴾^(٤).

و ما هو إلّا منافق، جعل دينه هواه، و الهه بطنه، كلُّ ما اشتهى من الحلال و الحرام لم يمتنع منه. قال الله تعالى:

﴿و فرحوا بالحياة الدنيا و ما الحياة الدنيا في الآخرة إلّا متاع﴾^(٥).

يابن مسعود: محاريبهم نساؤهم، و شرفهم الدراهم و الدنانير، و همّتهم

حديث شصت و پنجم

١. سورة مريم، آيه ٥٩.

٢. سورة محمد ﷺ، آيه ٢٤.

٣. سورة روم، آيه ٧.

٤. شعراء، آيات ١٣١، ١٣٠، ١٢٩.

٥. سورة رعد، آيه ٢٤.

بطونهم، اولئك هم شر الاشرار، الفتنة منهم و اليهم تعود.
 يابن مسعود: قول الله تعالى: ﴿افرايت ان متعناهم سنين ثم جاءهم ما كانوا يوعدون ما اغنى عنهم ما كانوا يمتعون﴾. (٦)
 يابن مسعود: اجسادهم لاتشبع و قلوبهم لاتخشع.
 يابن مسعود: الإسلام بدأ غريباً و سيعود غريباً كما بدأ، فطوبى للغرباء،
 فمن أدرك ذلك الزمان من اعقابكم فلا تسلموا عليهم في ناديتهم و
 لاتشيخوا جنازتهم و لاتعودوا مرضاهم، فانهم يستنون بسنتكم و
 يظهرون بدعواكم و يخالفون افعالكم فيموتون على غير ملتكم، اولئك
 ليسوا مني و لا انا منهم.
 فلا تخافن أحداً غير الله، فإن الله تعالى يقول: ﴿اين ما تكونوا يدرككم
 الموت و لو كنتم في بروج مثيثة﴾. (٧)
 يابن مسعود: عليهم لعنة منى و من جميع المرسلين و الملائكة المقربين،
 و عليهم غضب الله و سوء الحساب في الدنيا و الآخرة.
 يابن مسعود: اولئك يظهرون الحرص الفاحش و الحسد الظاهر، و
 يقطعون الارحام، و يزهدون في الخير، قال الله تعالى: ﴿والذين ينقضون
 عهدالله من بعد ميثاقه و يقطعون ما أمر الله به أن يوصل و يفسدون في
 الارض اولئك لهم اللعنة و لهم سوء الدار﴾. (٨)

٦. سورة شعراء، آيه ٢٠٥، ٢٠٦، ٢٠٧.

٧. سورة نساء، آيه ٧٨.

٨. سورة رعد، آيه ٢٥.

و قال الله تعالى: ﴿مثل الذين حملوا التوراة ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل أسفاراً﴾. (۹)

یابن مسعود: یاتی علی الناس زمان الصابر فیہ علی دینہ مثل القابض علی الجمرة بكفه، یقول لذلك الزمان إن كان ذلك الزمان ذئباً، و إلا أكلته الذئاب. (۱۰)

حضرت رسول ﷺ در موعظه‌ای به ابن مسعود فرمود: ای ابن مسعود، بدین زودی بعد از من اقوامی می‌آیند که از غذاهای پاک و خوش رنگ و خوشمزه می‌خورند، بر چهارپایان سوار می‌شوند و با زینت‌هایی که زنان برای شوهرانشان خود را آرایش کرده و می‌آریند، زیبائیها و زینت‌های خود را برای نامحرمان ظاهر می‌سازند و به خود نمائی می‌پردازند، روششان مانند روش حاکمان جبار و ستمگر است، اینها منافقین این امت در آخر الزمان هستند. شراب می‌نوشند، با قاپ (وسیله‌ای برای قمار) قمار بازی می‌کنند، بر شهوات سوار می‌شوند، جماعات را ترک می‌کنند، شبها دیر وقت می‌خوابند و در خوابهای طلوع فجر زیاده روی می‌کنند. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و به دنبال آنها افرادی آمدند که حق نماز را ضایع کردند و شهوتها را پیروی نمودند که به زودی در گمراهی

۹. سوره جمعه، آیه ۵.

۱۰. مکارم الاخلاق ج ۲ ص ۲۴۴.

خواهند ماند.»

ای فرزند مسعود، مثل آنها مانند خر زهره‌ای است که ظاهرش زیبا و مزه‌اش تلخ است، گفته‌هایشان حکمت‌آموز و کردارشان مرضی است که هیچ دوائی تاثیر ندارد. «آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر قلبهایشان قفلی زده شده است.»

ای فرزند مسعود: کسی که از نعمتهای دنیا استفاده می‌کند زمانی که در آتش جهنم وارد شد سودی نمی‌رساند. «آنها فقط برای زندگانی ظاهر دنیا عمل می‌کنند و از آخرت غافل هستند»، خانه‌ها را بنیاد می‌کنند و قصرها را برافراشته می‌سازند، مسجدها را زیبا و آراسته می‌کنند، که همت و تلاش آنها جز دنیا نیست، با دنیا هم آواز می‌شوند، و به آن اعتماد می‌کنند، خدایشان شکم‌های آنهاست.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید، گویی که تا ابد در آنجا خواهید ماند» و چون کیفر دهید چو جباران و ستمگران است» پس از خداوند بترسید و مرا اطاعت کنید.»

او منافقی بیش نیست، دینش را هوا و هوس خود قرار داده و شکمش را خدای خود، و از حلال و حرام هم خودداری نمی‌کند. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و آنها به زندگانی دنیا شاد شدند در حالی که زندگانی دنیا در برابر آخرت متاع ناچیزی است.»

ای فرزند مسعود: بالاترین هستی آنها زنانشان، و شرفشان درهمها و دینارهایشان (مال و ثروت)، و همت آنها شکمهایشان است، آنها

بدترین بدها هستند، فتنه‌ها از آنهاست و بسوی آن بر می‌گردند.
 ای فرزند مسعود: خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «دیدید اگر چند
 سالی بهره‌مندشان ساختیم، سپس عذابی که وعده داده شده بود به
 آنها رسید، این بهره‌ای نیست که برای شان مفید و مدافع آنها واقع
 شود».

ای فرزند مسعود: جسمهایشان سیر نمی‌شود و قلبهایشان خاشع
 نمی‌گردد.

ای فرزند مسعود: اسلام با غربت آغاز شد و بدین زودی غربتش بر
 می‌گردد، خوشا بحال غریبان.

و هر کدام از نسل شما آن زمان را درک کرد به آنها سلام نکند، و در
 تشیع جنازه آنها شرکت ننماید و از مریض آنها عیادت نکند، آنها به
 سنت شما داخل می‌شوند، و به گفته‌های شما اقرار می‌کنند ولی با
 کردارتان مخالفت می‌کنند، و به غیر از دین شما می‌میرند، آنها از من
 و من هم از آنها نیستم.

پس با احدی غیر از خداوند مترس، چرا که خداوند تبارک و تعالی
 می‌فرماید: «هر کجا باشید مرگ گریبانتان را خواهد گرفت اگر چه در
 ساختمانهای محکم باشید».

ای فرزند مسعود: لعنت من و جمیع پیامبران و ملائکه مقرب الهی بر
 آنها باد. و غضب الهی و بدی حساب در دنیا و آخرت برای آنهاست.
 ای فرزند مسعود: آنها حرص زشت و قبیح و حسد واضح را آشکار
 می‌کنند، صلۀ رحم را قطع می‌کنند و در انجام خیر، زهد می‌ورزند.

خداوند می فرماید: «و آنان که پس از پیمان بستن با خدا پیمان شکنی می کنند پیوندهایی را که خدا به استقرارشان فرمان داده است قطع می کنند و در زمین فساد به بار می آورند و در سرای دیگر گرفتار لعن و بدبختی می شوند».

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «مثل آنها مانند آن کسانی است که تورات حمل کردند مانند خری که کتابهایی را حمل کند».

ای فرزند مسعود: زمانی بر مردم می آید که صبرکننده بر دینش مانند چنگ زننده بر درختی خاردار است، و در آن زمان باید گرگ بود و الا گرگهای دیگر او را خواهند خورد.

(حدیث شصت و ششم)

قال الرسول ﷺ: ياتي على الناس زمان يجتمعون في مساجدهم يصلون^(۱) ليس فيهم مؤمن^(۲).

حدیث شصت و ششم

۱. قال الرسول ﷺ: يودن المؤذن و يقيم الصلاة قوم و ما هم بمؤمنين.

میزان الحکمة ج ۵ ص ۳۹۴.

یعنی: مؤذن اذان می گوید و قومی در حالی که جزو مؤمنین نیستند نماز می خوانند.

۲. میزان الحکمة ج ۵ ص ۳۹۴.

حضرت رسول ﷺ فرمود: زمانی بر مردم می آید که در مسجدها برای نماز جمع می شود در حالی که مؤمنی در بین آنها نیست.

(حدیث شصت و هفتم)

القمی عن ابن عباس قال: حججنا مع رسول الله ﷺ حجة الوداع فاخذ بحلقة باب الكعبة ثم اقبل علينا بوجهه فقال: الا اخبركم باشرط الساعة؟ فكان ادنى الناس منه يومئذ سلمان رحمة الله، فقال: بلى يا رسول الله، فقال: ان من اشرط القيامة اضاءة الصلوات^(۱)، و اتباع الشهوات، و الميل

حدیث شصت و هفتم

۱. قال الرسول ﷺ: لا يزال الشيطان يرعب من بنى آدم ما حافظ على الصلوات الخمس فاذا ضيَعن تجراً عليه و أوقعه في العظام، ميزان الحكمة ج ۵ ص ۴۰۴.
یعنی: فرزند آدم مادامی که نماز پنجگانه خود را می خواند شیطان همیشه از او می ترسد، پس زمانی که آن را ضایع کند و نخواند بر او جری می شود و او را در مصیبتها و بلاهای بزرگ می اندازد.

قال الصادق عليه السلام: ان العبد اذا صلى لوقتها و حافظ عليها ارتفعت بيضاء نقية تقول: حفظتني حفظك الله و اذا لم يصلها لوقتها و لم يحافظ عليها رجعت سوداء مظلمة تقول: ضيَعتنى ضيَعك الله. ميزان الحكمة ج ۵ ص ۴۰۴.

یعنی: بنده هنگامی که نمازش را در وقت خودش می خواند و بر آن مداومت می کند با سفیدی و پاکیزگی به طرف بالا می رود و می گوید: مرا حفظ کردی خداوند ترا حفظ کند، و زمانی که نماز را در وقت خود نخواند با حالت سیاه و تاریک بر می گردد و می گوید: مرا ضایع کردی خداوند ترا ضایع کند.

مع الاهواء، و تعظیم اصحاب المال^(۲)، و بیع الدین بالدنیا^(۳) فعندها یذاب قلب المؤمن فی جوفه كما یذاب الملح فی الماء ممّا یرى من المنکر فلا یستطیع ان یغیره.

قال سلمان: و انّ هذا لکائن یا رسول الله ﷺ؟ قال: ای والذی نفسى بیده یا سلمان انّ عندها یلیهم امراء جورّة، و وزراء فسقة، و عرفاء ظلمة، و امناء خؤنة.

فقال سلمان: و انّ هذا لکائن یا رسول الله ﷺ؟ قال: ای والذی نفسى بیده یا سلمان انّ عندها یكون المنکر معروفاً و المعروف منکراً^(۴)، و یوتمن

۲. قال علی رضی الله عنه: من أتى غنیاً فتضع له لشیء یصیبه منه ذهب ثلثاً دینه.

میزان الحکمة ج ۷ ص ۵۰۶.

یعنی: هر کس پیش ثروت مندی برود و برای او خوار شود تا چیزی نصیبش شود یک سوم دینش از بین می رود.

۳. قال لقمان: بع دنیاک بأخرتک تربحهما جمیعاً، و لاتبع أخرتک بدنیاک تخسرهما جمیعاً. میزان الحکمة ج ۳ ص ۳۱۴.

یعنی: دنیایت را به آخرتت بفروش که از هر دو سود می بری، و آخرتت را به دنیایت مفروش که از هر دو ضرر و زیان می بینی.

۴. قال الرسول ﷺ: غشیتکم السکرتان: سكرة حبّ العیش، و حبّ الجهل، فعند ذلك

لاتأمرون بالمعروف و لاتنہون عن المنکر. میزان الحکمة ج ۶ ص ۲۷۹.

یعنی: دو مستی شما را بیهوش می کند، مستی دوست داشتن زندگی، و دوستی نادانی. پس در آن هنگام امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید.

قال الصادق رضی الله عنه: ویل لمن یأمر بالمنکر و ینہی عن المعروف. میزان الحکمة ج ۶ ص ۲۸۳.

الخائن و يخون الأمين و يصدّق الكاذب، و يكذب الصادق.

قال سلمان: انّ هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اي والذي نفسي بيده يا سلمان فعندها امارة النساء^(۵)، و مشاورة الإمام، و قعود الصبيان على المنابر، و يكون الكذب طرفاً، و الزكوة مغرماً^(۶) و الفء مغنماً و يجفوا الرجل والديه، و يبرّ صديقه، و يطلع الكوكب المذنب.

قال سلمان: و انّ هذا الكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اي والذي نفسي بيده

يعنى: وای به حال کسی که امر به منکر و نهی از معروف می‌کند.

۵. قال الرسول ﷺ: اذا كان امراؤكم خياركم و اغنياؤكم سمحائكم و امرکم شوری بینکم فظهور الارض خیر لكم من بطنها، و اذا كان امراؤكم شرارکم و اغنياؤکم بخلاءکم و امورکم الی نساءکم فبطن الارض خیر لكم من ظهرها. میزان الحکمة ج ۱ ص ۱۳۷.

یعنی: زمانی که حاکمانتان از نیکان شما و ثروتمندانتان از سخاوتمندان شما باشد و در کارهایتان مشورت کنید در آن هنگام روی زمین برای شما از زیر زمین بهتر است. و هنگامی که حاکمانتان از بدترین افرادتان و ثروتمندانتان از خسیس ترینتان باشد و کارهایتان به دست زنانتان باشد در آن هنگام زیر زمین (قبر) برای شما از روی زمین بهتر است.

۶. قال الصادق علیه السلام: ما ضاع مال فی برّ و لاجر إلا بتضييع الزکاة، فحصنوا اموالکم بالزکاة. میزان الحکمة ج ۴ ص ۲۲۰.

یعنی: هیچ مالی در خشکی و نه در دریا از بین نمی‌رود مگر اینکه صاحب آنها زکات مالش را نداده است، پس اموالتان را با زکات نگهدارید.

قال الباقر علیه السلام: الزکاة تزيد فی الرزق. میزان الحکمة ج ۴ ص ۲۱۹.

یعنی: زکات دادن روزی را زیاد می‌کند.

يا سلمان و عندها تشارك المرءة زوجها فى التجارة، و يكون المطر فيضاً، و يفيض الكرام غيضاً، و يحتقر الرجل المعسر فعندها تقارب الاسواق اذ قال هذا لم ابع شيئاً و قال هذا لم اربح شيئاً فلا ترى الا ذاماً لله. قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اى و الذى نفسى بيده يا سلمان فعندها تليهم اقوام ان تكلموا قتلوهم، و ان سكتوا استباحوهم ليستأثرون بفيئتهم و ليطأون حرمتهم و ليسفكن دمائهم، و ليملأن قلوبهم دغلاً و رعباً، فلا تراهم الا و جلين، خائفين، مرعوبين، مرهوبين.

قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اى و الذى نفسى بيده يا سلمان ان عندها يؤتى بشيء من المشرق و شيء من المغرب يلون امتى فالويل لضعفاء امتى منهم، و الويل لهم من الله لا يرحمون صغيراً و لا يوقرون كبيراً، و لا يتجافون عن مسيء، جنتهم جنة الآدميين، و قلوبهم قلوب الشياطين.

قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اى و الذى نفسى بيده يا سلمان و عندها يكتفى الرجال بالرجال، و النساء بالنساء^(۷)، و يغار على

۷. قال الصادق عليه السلام: اول من عمل هذا العمل قوم لوط فاستغنى الرجال بالرجال و بقى

النساء بغير رجال، ففعلن كما فعل رجالهن. ميزان الحكمة ج ۴ ص ۴۱۲.

يعنى: اولين كسانى كه اين عمل را انجام دادند قوم لوط بود، كه مردها به مردها اكتفاء كردند و زنان بدون مردها ماندند، پس آنها هم مثل مردهايشان با همدیگر مشغول شدند.

دخلت امرأة مع مولاة لها على ابي عبدالله عليه السلام فقالت: ما تقول فى اللواتى معى اللواتى؟

الغلمان كما يغار على الجارية في بيت اهلها و تشبه الرجال بالنساء، و النساء بالرجال^(۸)، و تركبن ذوات الفروج السروج^(۹)، فعليهن من امتي لعنة

قال: هنّ في النار، اذا كان يوم القيامة أتى بهن فألبسن جلباباً من نار و خفين من نار و قناعاً من نار. ميزان الحكمة ج ۴ ص ۴۱۲.

یعنی: زنی با خانم خود بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام وارد شد و گفت: در مورد زنی که با زن دیگری جمع شود چه می‌گوئی؟ فرمود: آنها در آتش جهنم هستند، و هنگامی که روز قیامت شود آنها را در حالی که لباس گشادی از آتش جهنم پوشانیده‌اند و کفشها و روسری از آتش جهنم می‌آورند.

۸. قال الصادق علیه السلام: كان رسول الله صلی الله علیه و آله يزجر الرجل أن يتشبه بالنساء و ينهى المرأة أن تتشبه بالرجال في لباسها. ميزان الحكمة ج ۵ ص ۱۸.

یعنی: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را که خود را شبیه زنان در آورده از آن کار منعش می‌کرد و زنی را از لحاظ لباس پوشیدن خود را به شکل مردان در می‌آورد نهی می‌فرمود.

قال الرسول صلی الله علیه و آله: ليس منّا من تشبه بالرجال من النساء، و لا تشبه بالنساء من الرجال. ميزان الحكمة ج ۵ ص ۱۸.

یعنی: آن مردانی که خودشان را به شکل زنان و زنانی که خودشان را به شکل مردان در می‌آورند از ما نیست.

قال الرسول صلی الله علیه و آله: لعن الله الرجل يلبس المرأة، و المرأة تلبس الرجل.

ميزان الحكمة ج ۵ ص ۱۸.

یعنی: خداوند لعنت کند مردانی را که لباس زنان را می‌پوشند و زنانی را که لباس مردان را به تن می‌کنند.

در روایت است که حضرت علی علیه السلام مردی که خودش را به شکل زنان در ←

اللّٰه.

قال سلمان: وان هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اي والذي نفسي بيده يا سلمان و عندها تحلى ذكور امتي بالذهب و يلبسون الحرير و الديباج، و يتخذون جلود النمر صفاً.

قال سلمان: وان هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اي والذي نفسي بيده يا سلمان و عندها يظهر الرباء^(۱۰)، و يتعاملون بالعينة و الرش و يوضع

→ آورده بود در مسجد رسول خدا ﷺ دید و فرمود: از مسجد رسول خدا ﷺ بیرون شو ای کسی که رسول خدا ﷺ ترا لعنت کرده است. سپس فرمود: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: خداوند لعنت کند آن مردانی را که خود را شبیه زنان و زنانی را که خود را به شکل مردان در می آورد.

میزان الحکمة ج ۵ ص ۱۸.

۹. قال الصادق عليه السلام: السرج مركب ملعون للنساء. قصر الجمل ج ۲ ص ۲۵۶.

یعنی: زین و پالان مرکب لعنت شده برای زنان است.

۱۰. قال الباقر: أخبث المكاسب، كسب الربا. ميزان الحکمة ج ۴ ص ۴۶.

یعنی: پلیدترین کسب ها، کسب ربا است.

قال الرضا عليه السلام: اعلم يرحمك الله ان الربا حرام سحت من الكبائر و مما قد وعد الله عليه النار فنعوذ بالله منها، و هو محرّم على لسان كل نبي و في كل كتاب.

میزان الحکمة ج ۴ ص ۴۶.

یعنی: بدان که خداوند ترا رحمت کند، همانا ربا حرام و کار زشت و ناپسند و از گناهان کبیره است، که خداوند برای شخص رباخوار و عده آتش داده است، پس از آن به خداوند پناه می بریم، و آن در زبان هر پیامبری و در هر کتاب الهی ←

الدين و ترفع الدنيا.

قال سلمان: و ان ذلك لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اي والذي نفسي بيده يا سلمان، و عندها يكثر الطلاق^(۱۱) فلا يقام لله حدّ ولن يضرّ والله شيئاً.
قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله؟ قال: اي والذي نفسي بيده يا سلمان، و عندها تظهر القينات و المعازف^(۱۲) و تليهم اشرار امتي.

→ حرام است.

۱۱. قال الصادق عليه السلام: ان الله عزوجل يحب البيت الذي فيه العرس، و يبغض البيت الذي فيه الطلاق، و ما من شيء أبغض الى الله عزوجل من الطلاق. ميزان الحكمة ج ۵ ص ۵۴۷.
يعنى: خداوند دوست می دارد آن خانه ای را که در آن عروسی باشد، و دشمن می دارد آن خانه ای را که در آن طلاق باشد، و هیچ چیزی نزد الهی دشمن تر از طلاق نیست.

۱۲. قال الرسول ﷺ: اياكم و استماع المعازف و الغناء، فإتھما ينبتان النفاق في القلب كما ينبت الماء البقل. ميزان الحكمة ج ۷ ص ۳۰۴.

يعنى: پرهیزید از شنیدن آواز طرب و ترانه، چرا که آن دو نفاق را در قلب می رویانند، همچنانکه آب سبزی را می رویانند.

قال الرسول ﷺ: الغناء رقية الزنا. ميزان الحكمة ج ۷ ص ۳۰۶.

يعنى: غناء آدمی را بسوی زنا می برد.

قال الصادق عليه السلام: المغنية ملعونة، و من آواها و أكل كسبها. ميزان الحكمة ج ۷ ص ۳۰۷.
يعنى: زن آواز خوان لعنت شده است و نیز کسی که آواز بخواند و درآمدش را بخورد.

قال على عليه السلام: انّ ثمن الكلب و المغنية سحت. ميزان الحكمة ج ۷ ص ۳۰۷.

قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اي والذي نفسي بيده يا سلمان، و عندها يحج اغنياء امتي للثروة، و يحج اوساطها للتجارة، و يحج فقرائهم للرياء و السمعه فعندها يكون اقوام يتعلمون القرآن لغير الله و يتخذونه مزامير، و يكون اقوام يتفقّهون لغير الله، و يكثر اولاد الزنا و يتغنون بالقرآن و يتهافتون بالدنيا.

قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اي والذي نفسي بيده يا سلمان، ذلك اذا انتهك المحارم، و اكتسبت المآثم، و سلط الاشرار على الاخيار، و يفشوا الكذب، و تظهر الحاجة، و تفشوا الفاقة، و يتباهون في اللباس، و يمطرون في غير اوان المطر، و يستحسنون الكوبة و المعازف و ينكرون الامر بالمعروف و النهي عن المنكر حتى يكون المؤمن في ذلك الزمان اذل من الأمة، و يظهر قرآئهم و عبادهم فيما بينهم التلاوم، فاولئك يدعون في ملكوت السموات الارجاس الانجاس.

قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ قال: اي والذي نفسي بيده يا سلمان فعندها لا يخشى الغنى على الفقير حتى ان السائل يسأل في الناس فيما بين الجمعتين لا يصيب احداً يصنع في كفه شيئاً.

قال سلمان: و ان هذا لكائن يا رسول الله ﷺ؟ فقال: اي والذي نفسي بيده يا سلمان فعندها يتكلم الروبيضة. فقال سلمان؟ ما الروبيضة يا رسول الله فداك ابي و امي؟ قال: يتكلم في امر العامة من لم يكن يتكلم فلم يلبثوا الا قليلاً حتى تخور الارض خورة فلا يظن كل يوم الا انها خارت في

يعنى: همانند پول سگ و آواز خوانی حرام است.

ناحیتهم فیمکتون ما شاء الله ثم یمکتون فی مکتهم فتلقى لهم الارض افلاذ کبدها. قال: ذهباً و فضة ثم اومی بیده الی الاساطین. فقال: مثل هذا فیومئذ لا ینفع ذهب و لا فضة فهذا معنی قوله فقد جاء اشراطها^(۱۳).

ابن عباس گوید: با رسول خدا ﷺ حجة الوداع را بجا می آوردیم که آن حضرت حلقه در کعبه را گرفت و رو به ما کرد و فرمود: آیا شما را به شروط قیامت آگاه نگردانم؟ سلمان رضی الله عنه که نزدیکترین ما به آن حضرت بود گفت: بلی ای رسول خدا ﷺ. فرمود: از شرطهای برپائی قیامت، ضایع کردن نمازها، و پیروی کردن از شهوات و میل و علاقه به هوا و هوسها، و احترام کردن ثروتمندان و فروختن دین به دنیاست، پس در آن زمان قلب مؤمن در دلش همچون نمک که در آب حل می شود ذوب می گردد به خاطر منکراتی که می بیند و قدرت بر جلوگیری آن را ندارد.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن زمان امراء ستمکار، و وزراء فاسق، دانشمندان اهل ظلم و امانت داران خیانت کار می باشند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، همانا در آن زمان

منکر معروف و معروف منکر می باشد، و به خیانت کار اطمینان می کنند و امین را خائن می شمردند و دروغگو را تصدیق می نمایند و راستگو را تکذیب می کنند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن زمان حکومت با زنان و اهل مشورت بنده ها می باشد، و کودکان بر بالای منبرها می نشینند، و دروغ نیک شمرده می شود، و زکات دادن را تاوان و ضرر می دانند و خراج را غنیمت می شمردند، شخص به پدر و مادرش جفاء کرده و به دوستش نیکی می کند و ستاره دنباله دار طلوع می کند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن زمان زن در تجارت با شوهرش مشارکت می کند، و باران کم می بارد، و بخشندگی اندک می شود، و شخص با درآمد کم را کوچک و پست می شمردند. در آن زمان بازارها نزدیک هم می باشد، و شخص می گوید این کالا چیزی نیست و این یکی هم سودی ندارد، و آنها را نمی بینی مگر مذمت کننده خداوند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن زمان اقوامی می آیند که اگر حرف بزنند کشته شوند و اگر ساکت بمانند با چشم غنیمت به آنها می نگرند، حرمتشان را از بین می برند و خونشان را

می ریزند، و قلبهایشان را دغل بازی و ترس پُر می کند، پس آنها را نمی بینی مگر در حال ترس و خوف و وحشت.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدائی که جانم در دست اوست، در آن زمان چیزی از شرق و چیزی از غرب می آید و امتم را از هم جدا می سازد، پس وای به حال ضعیفان امتم از دست آنها، و وای به حال آنها از جانب خداوند. به کوچکترها رحم نمی کنند و به بزرگترها احترام نمی نمایند، و از هیچ گناهی فروگذار نمی کنند، هیکلشان هیکل آدمی و قلبهایشان قلوب شیطانی است.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم در دست اوست، در آن زمان مردها به مردها و زنان به زنان اکتفا می کنند، و درباره پسر بچه ها چنان غیرت به خرج می دهند چنانکه برکنیزی در خانه غیرت می ورزند (که مبادا مورد تجاوز دیگری واقع شود). مردان شبیه زنان و زنان شبیه مردان می شوند و زنان بر زینها سوار می شوند، پس بر آن گروه از امتم لعنت الهی باد.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدائی که جانم در دست اوست، در آن زمان مردان امتم طلا را حلال می دانند و لباسهای حریر و ابریشمی می پوشند و پوست پلنگ بر روی خود می اندازند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می افتد؟ فرمود: ای

سلمان به آن خدایی که جانم در دست اوست، در آن زمان ربا آشکار می‌گردد و معامله‌های مدت دار و با رشوه انجام می‌دهند، دین را رها می‌کنند و دنیای خودشان را بالا می‌برند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می‌افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم در دست اوست، در آن زمان طلاق زیاد می‌شود و حدود الهی بر پا نمی‌گردد و در این هنگام هرگز به خداوند ضرری نمی‌رسانند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می‌افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن زمان زنهای آوازه خوان و آرایشگر و وسیله‌های طرب‌انگیز ظاهر می‌شود، و بدترین امتم از آنها متابعت می‌کنند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می‌افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن زمان ثروتمندان حج را بخاطر گردش و تفریح و مردمان متوسط به خاطر تجارت و فقراء به خاطر ریاء و خودنمایی به جا می‌آورند. و در آن زمان گروهی می‌آیند که قرآن را برای غیر الهی یاد می‌گیرند و آن را با آواز می‌خوانند، و گروهی می‌باشند که فقه را به نیت غیر الهی می‌آموزند. بچه‌های زنا زیاد می‌شوند و قرآن را با غنا می‌خوانند و بسوی دنیا می‌شتابند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می‌افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، آن زمان است که به

حرام دل می‌بندند، و مرتکب گناهان می‌شوند، و بدان بر نیکان مسلط می‌شوند، دروغ رواج می‌یابد، و لجاجت ظاهر می‌شود و فقر آشکار می‌گردد، در لباس پوشیدن مباحات می‌کنند، باران در غیر فصل خود می‌بارد، شطرنج و نردبازی نیکو شمرده می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر را منکر می‌شوند، تا اینکه مؤمن در آن زمان از پست‌ترین امت قرار می‌گیرد، قاریان و بندگان (اطاعت‌کنندگان خداوند) همدیگر را ملامت می‌کنند، پس آنها در آسمان مانند افراد زشت - که دعا و تعویذ به خود می‌بندند - و رمال خوانده می‌شوند. سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می‌افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن زمان شخص غنی و ثروتمند در مقابل فقیر خاشع نمی‌شود تا اینکه فقیر در میان جمع چیزی می‌خواهد ولی چیزی به او نمی‌دهند.

سلمان گفت: ای رسول خدا آیا اینها اتفاق می‌افتد؟ فرمود: ای سلمان به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن هنگام رویبضة حرف می‌زند. سلمان گفت: ای رسول خدا که پدر و مادرم فدای تو باد رویبضة چیست؟ فرمود: در امورات مردم کسی که حق اظهار نظر ندارد حرف می‌زند و مدت کمی آرام می‌گیرند، تا اینکه زمین صدا می‌کند در حالی که در هیچ روزی فکر نمی‌کرد که زمین در قسمت آنها نیز صدا کند (بسوی خود فرا بخواند) پس آنچه را که خداوند خواست درنگ می‌کنند، سپس در درنگ خودشان نیز مکث می‌کنند پس زمین آنها را ملاقات می‌کند و پاره‌های جگرشان که طلا و نقره

باشند به دست سلاطین می‌رسد. سپس فرمود: در این هنگام طلا و نقره سودی نمی‌رساند، پس این است معنی قول او که در شرایط قیامت آمد.

(حدیث شصت و هشتم)

عن حمران قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: انى سرت مع ابى جعفر المنصور و هو فى موكبه و هو على فرس و بين يديه خيلٌ و أنا على حمار إلى جانبه. فقال لى: يا ابا عبدالله قد كان فينبغى لك أن تفرح بما أعطانا الله من القوة و فتح لنا من العزّ و لاتخبر الناس أنك أحقّ بهذا الامر منا و اهل بيتك فتغرينا بك و بهم. قال: فقلت: و من رفع هذا إليك عنى فقد كذب.

فقال لى: أتحلف على ما تقول؟

قال: فقلت: انّ الناس سحرة يعنى يحبّون أن يفسدوا قلبك علىّ، فلا تمكّنهم من سمعك فإنّنا اليك أحوج منك إلينا. فقال لى: تذكر يوم سألتك هل لنا ملك؟ فقلت: نعم طويلٌ عريضٌ شديدٌ فلا تزالون فى مهلة من امركم و فسحة من دنياكم حتى تصيبوا مناّ دماً حراماً فى شهر حرام فى بلد حرام. فعرفت أنّه قد حفظ الحديث. فقلت: لعل الله عزوجل أن يكفيك فإنّى لم اخصك بهذا و إنّما هو حديث رويته ثمّ لعلّ غيرك من اهل بيتك، يتولّى ذلك فسكت عنى.

فلما رجعتُ الى منزلى أتانى بعض موالينا فقال: جعلت فداك واللّه لقد رأيتك فى موكب ابى جعفر و أنت على حمار و هو على فرس و قد أشرف عليك يكلمك كأنك تحته. فقلت بينى و بين نفسى: هذا حجّة الله على الخلق

و صاحب هذا الامر الذي يقتدى به و هذا الآخر يعمل بالجور و يقتل اولاد الانبياء و يسفك الدماء في الارض بما لا يحب الله و هو في موكبه و أنت على حمار فدخلى من ذلك شكاً حتى خفت على ديني و نفسي.

قال: فقلت: لو رأيت من كان حولي و بين يدي و من خلفي و عن يميني و عن شمالي من الملائكة لاحتقرته و احتقرت ما هو فيه. فقال: الآن سكن قلبي، ثم قال: إلى متى هولاء يملكون أو متى الراحة منهم؟ فقلت: أليس تعلم أن لكل شيء مدة؟ قال: بلى. فقلت: هل ينفعك علمك أن هذا الأمر اذا جاء كان أسرع من طرفة العين؟ انك لو تعلم حالهم عند الله عزوجل و كيف هي كنت لهم اشدّ بغضاً و لو جهدت أو جهد اهل الارض ان يدخلوهم في اشدّ ما هم فيه من الاثم لم يقدروا فلايسفرّك الشيطان فإن العزة لله و لرسوله و للمؤمنين و لكن المنافقين لايعلمون الا تعلم أن من انتظر أمرنا و صبر على ما يرى من الاذى و الخوف هو غداً في زمرتنا.

فاذا رايت الحقّ قد مات و ذهب اهله. و رايت الجور قد شمل البلاد و رايت القرآن قد خلق و أحدث فيه ما ليس فيه و وجّه على الأهواء. و رأيت الذين قد انكفى كما ينكفى الماء.

و رايت اهل الباطل قد استعلوا على اهل الحق. و رايت الشرّ ظاهراً لاينهى عنه و يُعذر اصحابه. و رايت الفسق قد ظهر و اكتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء. و رايت المؤمن صامتاً لايقبل قوله.

و رايت الفاسق يكذب و لايردُّ عليه كذبه و فريته. و رايت الصغير يستحقر

بالكبير. و رایت الارحام قد تقطعت^(۱). و رایت من یمتدح بالفسق یضحك منه و لا یردّ علیه قوله. و رایت الغلام یعطی ما تعطی المرأة. و رایت النساء یتزوّجن النساء. و رایت الثناء قد کثر. و رایت الرجل ینفق المال فی غیر طاعة الله فلا ینهی و لا یؤخذ علی یدیہ. و رایت الناظر یتعوّذ بالله ممّا یری المؤمن فیہ من الاجتهاد.

و رایت الجار یؤذی جاره^(۲) و لیس له مانع. و رایت الکافر فرحاً لما یری

حدیث شصت و هشتم

۱. قال الرسول ﷺ: ان الصدقة و صلة الرحم تعمران الديار و تزيدان فی الاعمار.

الحکم الزاهره ص ۲۱۱.

یعنی: همانا صدقه دادن و صلة رحم نمودن شهرها را آباد می‌کند و عمرها را زیاد و طولانی می‌گرداند.

قال الرسول ﷺ: صلوا ارحامکم و لو بالسلاّم. الحکم الزاهره ص ۲۱۱.

یعنی: صلة رحم کنید و لو با سلام کردن باشد.

قال الرسول ﷺ: لا یدخل الجنة قاطع رحم. الحکم الزاهره ص ۲۱۱.

یعنی: قطع کننده رحم داخل بهشت نمی‌شود.

۲. قال الصادق علیه السلام: قال لقمان: حملت الجنّ والحدید، و کلّ حملٍ ثقیل فلم أحمل شیئاً

اثقل من جار السوء. میزان الحکمة ج ۲ ص ۱۹۲.

یعنی: لقمان گوید: صخره بزرگ و آهن را حمل کردم و هر کدام از آنها سنگین بود و چیزی را سنگین‌تر از همسایه بد حمل نکردم.

قال علی علیه السلام: جار السوء اعظم الضراء و أشدّ البلاء. میزان الحکمة ج ۲ ص ۱۹۳.

یعنی: همسایه بد بزرگترین سختی و خسارت، و سخت‌ترین بلاء است.

في المؤمن، مرحاً لما يرى في الارض من الفساد، و رايته الخمر تشرب
 علانية و يجتمع عليها من لا يخاف الله عزوجل. و رايته الامر بالمعروف
 ذليلاً. و رايته الفاسق فيما لا يحب قوياً محموداً. و رايته اصحاب الآيات
 يحتقرون و يحتقر من يحبهم. و رايته سبيل الخير منقطعاً و سبيل الشر
 مسلوکاً.

و رايته بيت الله قد عطل و يؤمر بتركه. و رايته الرجل يقول ما لا يفعله. و
 رايته الرجال يتسمنون للرجال و النساء للنساء. و رايته الرجل معيشة من
 دبره و معيشة المرأة من فرجها. و رايته النساء يتخذن المجالس كما
 يتخذها الرجال. رايته التأنيث في ولد العباس قد ظهروا أظهروا الخضاب و
 امتشطوا كما تمتشط المرأة لزوجها و اعطوا الرجال الاموال على فروجهم
 و تنوفس في الرجل و تغاير عليه الرجال، و كان صاحب المال أعز من
 المؤمن، و كان الزبا ظاهراً لا يعير، و كان الزنا تمتدح به النساء. رايته
 المرأة تصانع زوجها على نكاح الرجال. و رايته اكثر الناس و خير بيت من
 يساعد النساء على فسقهن. و رايته المؤمن محزوناً محتقراً ذليلاً. و رايته
 البدع و الزنا قد ظهروا. و رايته الناس يعتدون بشاهد الزور^(۳). و رايته
 الحرام يحلل. و رايته الحلال يحرم. و رايته الدين بالرأى و عطل الكتاب و

۳. قال الصادق عليه السلام: شاهد الزور لا تنزل قد ماه حتى تجب له النار.

قصار الجمل ج ۱ ص ۳۵۷.

يعنى: کسی که به دروغ گواهی دهد قدمی بر نمی دارد مگر اینکه آتش جهنم بر
 او واجب می شود.

احكامه. و رايت الليل لا يستخفى به من الجرأة على الله. و رايت المؤمن لا يستطيع أن ينكر إلا بقلبه. و رايت العظيم من المال ينفق في سخط الله عزوجل. و رايت الولاية يقربون اهل الكفر و يباعدون اهل الخير. و رايت الولاية يرتشون في الحكم. و رايت الولاية قبالة لمن زاد. و رايت ذوات الارحام ينكحن و يكتفى بهن. و رايت الرجل يقتل على التهمة و على الظنة و يتغابر على الرجل الذكر فيبذل له نفسه و ماله. و رايت الرجل يعير على اتيان النساء. و رايت الرجل يأكل من كسب امراته من الفجور، يعلم ذلك و يقيم عليه. و رايت المرأة تقهر زوجها و تعمل ما لا يشتهي و تنفق على زوجها. و رايت الرجل يكرى امراته و جاريتها و يرضى بالدنى من الطعام و الشراب.

و رايت الايمان بالله عزوجل كثيرة على الزور. و رايت القمار قد ظهر. و رايت الشراب يباع ظاهراً ليس له مانع. و رايت النساء يبذلن انفسهن لاهل الكفر. و رايت الملاهي قد ظهرت يمر بها، لا يمنعها أحدٌ أحداً و لا يجترى، أحدٌ على منعها. و رايت الشريف يستذله الذي يخاف سلطانه. و رايت اقرب الناس من الولاية من يمتدح بشتمنا اهل البيت. و رايت من يحبنا يزور و لا تقبل شهادته. و رايت الزور من القول يتنافس فيه. و رايت القرآن قد ثقل على الناس استماعه و خف على الناس استماع الباطل. و رايت الجار خوفاً من لسانه. و رايت الحدود قد عطلت و عمل فيها بأهواء. و رايت المساجد قد زخرفت. و رايت اصدق الناس عند الناس المفتري الكذب.

و رایت الشرّ قد ظهر و السعی بالنمیمة^(۴).

و رایت البغی قد فشا^(۵).

و رایت الغیبة تُستملح^(۶) و یبشّر بها الناس بعضهم بعضاً. و رایت طلب

۴. قال الرسول ﷺ: يا ابانر صاحب النمیمة لا یستریح من عذاب الله فی الآخرة.

قصار الجمل ج ۲ ص ۲۸۰.

یعنی: ای ابوذر شخص سخن چین از عذاب الهی در آخرت آرام و راحتی ندارد.

قال علی علیه السلام: النمام سهم قاتل. قصار الجمل ج ۲ ص ۲۸۰.

یعنی: سخن چینی تیری کشنده است.

۵. قال علی علیه السلام: البغی یسلب النعمة، الظلم یجلب النقمة. قصار الجمل ج ۱ ص ۵۳.

یعنی: عصیان و جنایت نعمت را سلب می‌کند، و ظلم و ستم نعمت و بدبختی را جلب می‌کند.

قال علی علیه السلام: ما اعظم عقاب الباغی. قصار الجمل ج ۱ ص ۵۴.

یعنی: چه بزرگ است کیفر و عقاب شخص جنایت کار و عصیانگر.

۶. قال الصادق علیه السلام: ایاک و الغیبة فانها إدام کلاب النار. میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۳۵.

یعنی: از غیبت کردن پرهیزید که آن نان خورش سگهای جهنم است.

قال الرسول ﷺ: من نصر اخاه المسلم بالغیب نصره الله فی الدنيا و الآخرة.

میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۵۳.

یعنی: هر کس برادر مسلمانش را در برابر غیبت او یاری کند خداوند او را در دنیا

و آخرت یاری می‌کند.

قال علی علیه السلام: ابغض الخلائق الی الله المغتاب. میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۳۳.

یعنی: مبغوض ترین بنده‌ها در نزد الهی شخص غیبت کننده است.

الحج و الجهاد لغير الله.

و رایت السلطان یذلُّ للكافر المؤمن. و رایت الخراب قد ادیل من العمران. و رایت الرجل معیشتہ من بخس المکیال و المیزان. و رایت سفک الدماء یستخف بها. و رایت الرجل یطلب الرئاسة^(۷) لعرض الدنيا و یشهر نفسه بخبث اللسان لیبتقی و تسند الیه الامور.

و رایت الصلوة قد استخف بها^(۸). و رایت الرجل عنده المال الكثير ثم لم یزکّه منذ ملکه. و رایت المیت ینبش من قبره و یوذی و تباع اکفانه.

و رایت الهرج قد کثر. و رایت الرجل یمسی نشوان و یصبح سکران لایهتم بما الناس فیه. و رایت البهائم تنکح^(۹). و رایت البهائم یفرس بعضها بعضاً. و رایت الرجل یرجع الی مصلاه و یرجع و لیس علیه شیء من ثیابه. و رایت قلوب الناس قد قست و جمدت اعینهم^(۱۰) و ثقل الذکر علیهم.

۷. قال الصادق عليه السلام: من طلب الرئاسة هلك. ميزان الحكمة ج ۴ ص ۹.

یعنی: هر کس در پی ریاست باشد هلاک شود.

۸. قال الرسول صلی الله علیه و آله: لیس منی من استخف بالصلوة، لا یرد علی الحوض، لا والله.

میزان الحكمة ج ۵ ص ۴۰۵.

یعنی: کسی که نماز را سبک می‌شمارد از من نیست، و به خدا قسم در کنار حوض بر من وارد نمی‌شود.

۹. قال الرسول صلی الله علیه و آله: لعن الله من وقع علی بهیمة. الحكم الزاهره ص ۳۰۵.

یعنی: خداوند لعنت کند کسی را که با چهار پا جمع شود.

۱۰. قال علی عليه السلام: ما جفت الدموع الا لقسوة القلوب، و ما قست القلوب الا لكثرة الذنوب.

میزان الحكمة ج ۸ ص ۲۳۹.

و رأیت السّحت قد ظهر يتنافس فيه. و رأیت المصلّى إنّما يصلّى لبراء
النّاس. و رأیت الفقيه يتفقّه لغير الدين، يطلب الدنيا و الرئاسة.
و رأیت الناس مع من غلب. و رأیت طالب الحلال يذمّ و يعير و طالب الحرام
يمدح و يعظّم. و رأیت الحرّمين يعمل فيهما بما لا يحب الله، و لا يمنعهم مانع
و لا يحول بينهم و بين العمل القبيح أحدٌ. و رأیت المعازف ظاهرةً في
الحرّمين. و رأیت الرجل يتكلم بشيء من الحق و يامر بالمعروف و ينهى
عن المنكر فيقوم اليه من ينصحه في نفسه، فيقول: هذا عنك موضوع. و
رأیت الناس ينظر بعضهم الى بعض و يقتدون بأهل الشرور. و رأیت
مسلك الخير و طريقه خالياً لا يسلكه أحدٌ. و رأیت الميّت يُهزأ به فلا يفرّج له
أحدٌ. و رأیت كلّ عام يحدث فيه من الشرّ و بدعة اكثر ممّا كان.
و رأیت الخلق و المجالس لا يتابعون الا الاغنياء، و رأیت المحتاج يعطى على

يعنى: اشك چشم خشک نمى شود مگر به خاطر قساوت قلب، و قلب را
قساوت نمى گیرد مگر به خاطر گناهان زياد.

قال الرسول ﷺ: ترك العبادة يقسى القلب، ترك الذكر يميت النفس.

ميزان الحكمة ج ۸ ص ۲۳۹.

يعنى: ترك کردن عبادت قلب را سنگين مى کند، و ترك کردن ذکر الهى نفس را
مى ميراند.

قال على عليه السلام: النظر الى البخيل يقسى القلب. ميزان الحكمة ج ۸ ص ۲۴۰.

يعنى: به شخص بخيل و خسيس نگاه کردن قلب را سنگين و قسى مى کند.

قال على عليه السلام: كثرة المال مفسدة للدين و مقساة للقلب. ميزان الحكمة ج ۸ ص ۲۴۰.

يعنى: ثروت زياد دين را فاسد مى کند و قساوت قلب مى آورد.

الضحك به و یرحم لغير وجه الله. و رایت الآيات فی السماء لا یفزع لها أحد. و رایت الناس یتسافدون كما یتسافد البهائم لا ینکر أحد منکراً تخوفاً من الناس. و رایت الرجل ینفق الكثير فی غیر طاعة الله و یمنع الیسیر فی طاعة الله. و رایت العقوق قد ظهر و استخف بالوالدین و كانا من اسوء الناس حالاً عند الولد و یفرح بأن یفتري علیهما. و رایت النساء و قد غلبن علی الملك و غلبن علی کل امر لا یؤتی الا ما لهنّ فی هوی. و رایت ابن الرجل یفتري علی ابيه و یدعو علی والديه و یفرح بموتهما. و رایت الرجل اذا مرّ به یوم و لم یکسب فی الذنب العظیم من فجور أو بخس مکیال او میزان أو غشیان حرام أو شراب مسکر کثیباً حزیناً یحسب ان ذلک الیوم علیه و ضیعة من عمره. و رایت السلطان یحتکر الطعام^(۱۱). و رایت اموال ذوی القربی تقسم فی الزور و یتقامربها و تشرب بها الخمور. و رایت الخمر یتداوی بها و یوصف للمؤمن و یتشفى بها. و رایت الناس قد استتوا فی ترک الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و ترک التّدین به. و رایت ریاح المنافقین و اهل النفاق قائمة و ریاح اهل الحق لاتحرک. و رایت الاذان

۱۱. قال الرسول ﷺ: المحتکر ملعون. الحکم الزاهره ص ۳۴۰.

یعنی: انبار کننده غذاهاى مردم ملعون است.

قال الرسول ﷺ: من احتکر علی المسلمین طعاماً ضربه الله بالجذام و الافلاس.

الحکم الزاهره ص ۳۳۹.

یعنی: هر کس غذاهاى مسلمانان را انبار کند، خداوند او را به جذام و بى چیزى مبتلا مى کند.

بالاجر و الصلاة بالاجر. و رايت المساجد محتشية ممن لا يخاف الله،
مجتمعون فيها للغيبة و اكل لحوم اهل الحق و يتواصفون فيها شراب
المسكر.

و رايت السكران يصلى بالناس و هو لا يعقل و لا يثان بالسكر و اذا سكر
أكرم و اتقى و خيف و ترك، لا يعاقب و يعذر بسكره. و رايت من اكل اموال
اليتامى يُحمد بصلاحه. و رايت القضاة يقضون بخلاف ما امر الله. و رايت
الولاءة يأتمنون الخونة للطمع. و رايت الميراث قد وضعت الولاة لاهل
الفسوق و الجرأة على الله، يأخذون منهم و يخلونهم و ما يشتهون. و رايت
المنابر يؤمر عليها بالتقوى و لا يعمل القائل بما يأمر. و رايت الصلاة قد
استخف بأوقاتها. و رايت الصدقة بالشفاعة لا يراد بها وجه الله و يعطى
لطلب الناس. و رايت الناس همهم بطونهم و فروجهم، لا يباليون بما أكلوا و
ما نكحوا. و رايت الدنيا مقبلة عليهم. و رايت أعلام الحق قد درست فكن
على حذر و اطلب الى الله عزوجل النجاة.

و اعلم انّ الناس فى سخط الله عزوجل و انما يمهلهم لامر يراد بهم فكن
مترقباً و اجتهد ليراك الله عزوجل فى خلاف ما هم عليه فان نزل بهم
العذاب و كنت فيهم عجّلت الى رحمة الله و ان أخرت ابتلوا و كنت قد خرجت
مما هم فيه من الجرأة على الله عزوجل. و اعلم ان الله لا يضيع اجر
المحسنين و أنّ رحمة الله قريب من المحسنين^(١٢).

حمران گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: با منصور دوانیقی گردش می کردیم، او با عظمت و جلال سوار بر اسب بود، از روبرو و از پشت سرش گروهی از سربازانش بودند و من نیز سوار بر الاغی در کنار دست او می رفتیم. به من گفت: ای ابا عبدالله، شایسته است به آنچه که خداوند از قدرت به ما اعطاء فرموده و در عزت را به روی ما گشوده، شاد باشی. مردم به ما خبر می دهند که تو و اهل بیت تو از ما به این قدرت و عزت مستحق تر هستی، و به همین خاطر ما را به شما و آنها بدبین می کنند. امام علیه السلام گوید: گفتم: هر کس این خبر را از من به تو داده، دروغ گفته است. منصور به من گفت: آیا سوگند می خوری؟ گفتم: مردم ساحر هستند یعنی دوست دارند که قلب ترا نسبت به من بدبین کنند. و آنچه که می شنوی آنها را آرام نمی کند. همانا ما به تو محتاج تریم تا تو به ما. به من گفت: از روزی بگو که وقتی از تو سوال کنند که آیا برای ما ملکی است؟ گفتم: بله ملکی طویل و عریض و سخت محکم، تا زمانی که شما هستید مهلتش از بین نمی رود و وسعت و فراخی دنیای شماست، تا اینکه خون ناحقی از ما در ماه حرام و در شهر حرام ریخته شود. دانستم که او حدیثی را به یاد دارد. لذا گفتم: شاید خداوند عزوجل ترا از واقع شدن این امر مصون و پاک بدارد و من ترا به آن مخصوص نمی کنم و همانا آن حدیثی است که دیده ام، شاید کس دیگری به غیر از تو از خانواده ات آن کار را بکنند. به مقصود رسید و از من سؤال نکرد.

هنگامی که به منزل برگشتم، یکی از دوستان ما پیش من آمد و گفت:

فدایت شوم، به خدا قسم ترا همراه منصور دوانیقی دیدم در حالی که شما سوار بر الاغ و او سوار بر اسبی بود و اشراف بر شما داشت، و طوری با شما حرف می زد که انگار با زبردست خود حرف می زند، پیش خود گفتم: این حجت الهی بر خلق و صاحب این امر اقتداء به منصور کرده در حالی که او ستم می کند و بچه های پیامبران را می کشد و خون کسانی را که خداوند دوست ندارد ریخته شود، می ریزد. و با این حال او سوار اسب باشد و شما سوار بر الاغ. پس شکی در دلم به وجود آمد طوری که بر دین و خودم ترسیدم.

امام علیه السلام گوید: گفتم: اگر ملائکه ای که در اطراف و در روبه رو و پشت سر و از سمت راست و چپ من بودند می دیدی، منصور و آنچه که با او بودند را کوچک و خوار می شمردی. گفتم: الان قلبم آرام گرفت. و سپس گفتم: تا کی آنها حکومت می کنند و تا کی از دست آنها راحت می شویم. گفتم: آیا نمی دانی که برای هر چیزی مدتی است؟ گفتم: بله. آیا علمت سودی به تو می رساند که این امر زمانی بیاید از یک چشم به هم زدن سریع تر اتفاق می افتد؟ همانا اگر تو حال آنها را در نزد پروردگار می دانستی که چگونه هستند، شدیدترین دشمنی را نسبت به آنها می داشتی، که اگر تو و تمام اهل زمین تلاش می کردند که آنها را سخت تر از آن گناہانی که در آن هستند داخل کنند، نمی توانستند. پس شیطان ترا خوار و ذلیل نکند که همانا عزت برای خداوند و رسولش و برای مؤمنین است و لکن منافقین نمی دانند. آگاه باش، کسی که منتظر امر ما باشد و بر اذیت و آزار و

ترسی که می بیند، صبر نماید، او فردا در زمره ماست. پس زمانی که دیدی حق مرده و اهل آن از بین رفته، و دیدی که ستم همه جا را فرا گرفته. و دیدی که قرآن خلق شده، و چیزی در آن حادث شده که در آن نیست و برای آن بنا بر هواء و هوس خود شأن و منزلت قائلند. و دیدی که دین همچون آبی از جایی به جای دیگر می رود. و دیدی که اهل باطل بر اهل حق چیره شده. و دیدی که بدیها ظاهر گشته و کسی از آن جلوگیری نمی کند که هیچ، از آن عذر هم می آورند. و دیدی که فسق آشکار شده، و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء می کنند. و دیدی که مؤمن ساکت مانده و کسی گفته او را قبول نمی کند. و دیدی که شخص فاسق دروغ می گوید و کسی دروغ، افتراء و تهمت او را رد نمی کند. و دیدی که کوچکترها بزرگترها را تحقیر می کنند. و دیدی که نزدیکان از هم قطع رابطه کرده اند. و دیدی که کسی با فسق مدح و ستایش می کند و با آن می خندد و کسی گفته های مدح کننده را رد نمی کند. و دیدی که به پسر بچه ای خدمت می کنند همچنانکه به زنی خدمت کنند. و دیدی که زنان با زنان ازدواج می کنند. و دیدی که ستایش ها زیاد شده. و دیدی که مردی مالش را در غیر طاعت الهی خرج می کند و کسی از آن نهی نمی کند و مورد مؤاخذه واقع نمی شود. و دیدی که نگاه کننده ای به خداوند پناه می برد از چیزی که مومن بوسیله اجتهاد آن را می بیند. و دیدی که همسایه ای، همسایه اش را اذیت و آزار می کند و کسی مانع او نمی شود. و دیدی که کسی سختیایی که مومن می بیند شادمان

می‌گردد و فسادِ را که در روی زمین می‌بیند با نشاط و شاداب می‌شود. و دیدی که مردم آشکارا و دور هم شراب می‌خورند و کسی از خداوند نمی‌ترسد. و دیدی که امر به معروف کنندۀ خوار و ذلیل می‌شود و دیدی که شخص فاسقی در آن چیزی که خداوند دوست نمی‌دارد قوی و یاری شده. و دیدی که یاران آیات الهی و کسانی که آنها را دوست بدارند تحقیر شده. و دیدی که راه خیر و نیکی قطع شده و راه بدی باز گردیده. و دیدی که زیارت خانۀ خدا معطل شده و امر به ترک آن می‌کنند. و دیدی که مردی به آنچه که عمل نمی‌کند آن را می‌گوید.

و دیدی که مردان با مردان و زنان با زنان همدم و هم مونس شده. و دیدی که گذران زندگی مردی از دُبرش و گذران زندگی زنی از قُبلش است. و دیدی که زنان هم چون مردان مجالس می‌گیرند و دیدی که زنانی از بچه‌های عباس ظاهر می‌شوند و خضاب خودشان را آشکار کرده و موی سر را شانه نموده و آرایش می‌کنند، همچنانکه زن برای شوهرش موی سر را شانه می‌زند و خود را می‌آراید. و مردان مالشان را خرج فرج آنها می‌کنند. و چشم در مردی می‌دوزند و مردان دیگر غیرت می‌ورزند. و شخص ثروتمند عزیزتر از مومن باشد، ریا ظاهر شده و کسی آن را تغییر نمی‌دهد. و زنا بوسیلهٔ زنان را مورد حمد و ستایش قرار می‌دهند. و دیدی که زن برای همبستر شدن با مردان / دیگر به شوهرش رشوه می‌دهد. و دیدی که اکثر مردم و بهترین خانه‌ها آن است که زنان را بر فسقشان یاری می‌کنند. و دیدی که

مومن محزون و خوار و ذلیل شده و دیدی که زنا و بدعت آشکار گردیده. و دیدی که مردم گواهی دروغ می دهند. و دیدی که حرام را حلال می دانند و حلال را حرام. و دیدی که دین با رای و نظر، و کتاب الهی و احکام آن بی فایده گشته. و دیدی که شب کسی از جرأت بر خداوند (معصیت الهی) نمی ترسد. و دیدی که مومن قادر نیست که جلوی منکر را بگیرد مگر با قلبش اعلان انزجار می کند. و دیدی که مال زیادی در راه خشم و غضب الهی خرج و انفاق می شود. و دیدی که حاکمان به کفار نزدیک شده و از اهل خیر دور می شوند. و دیدی که حکام در حکمشان رشوه می گیرند. و دیدی که حکام ضمانت و کفالت کسی را بر عهده می گیرند که پول بیشتری به او داده اند. و دیدی که صاحبان رحم با ارحام خود همبستر می شوند و به آنها اکتفا می کنند.

و دیدی که مردی به خاطر تهمت و گمان کشته می شود، و بر مردی غیرت می ورزد و جان و مالش را فدای او می کند. و دیدی که مردی بر آمدن زنان عیب می گیرد. و دیدی که مردی از کسب فسق و فجور زنش می خورد و آن را می داند و خود مسبب آن است. و دیدی که زنی بر شوهرش غلبه می کند و مالی را که او به آن علاقه دارد جمع می کند و بر شوهرش پول و انفاق می کند، و دیدی که مردی بر زن و کنیزش اجازه می دهد، و به پست ترین آب و غذا راضی می گردد.

و دیدی که سوگند بر خداوند عزوجل بیشتر از ملاقات و دیدار اوست. و دیدی که قمار آشکار گردیده، و دیدی که شراب آشکارا

خرید و فروش می شود و کسی هم مانع آن نمی شود. و دیدی که زنان خودشان را به کفار ارائه می دهند. و دیدی که سرگرم کننده ای اگر کسی از کنار او بگذرد، سرگرمی اش (مسخره گیش) را آشکار می کند و کس دیگری او را از آن کار منع نمی کند، و کسی هم جرأت جلوگیری آن را ندارد. و دیدی که شخص شریفی به خاطر ترس از سلطان، ذلیل و خوار می شود. و دیدی که نزدیکترین مردم به حاکمان آن کسی است که دشنام دهندگان ما اهل بیت را ستایش می کنند. و دیدی کسی که ما را دوست می دارد شهادت می دهد و شهادتش مورد قبول واقع نمی شود. و دیدی که دروغ می گویند و در آن زیاده روی می کنند. و دیدی که شنیدن آیات قرآن بر دل مردم سنگینی و شنیدن چیزهای باطل آن را سبک و آرام می کند. و دیدی که همسایه، همسایه اش را به خاطر ترس از زبانش اکرام می کند. و دیدی که حدود الهی معطل مانده و در آن به هواء و هوس عمل می کنند. و دیدی که مسجدها را زینت می کنند. و دیدی که راست گوترین کس نزد مردم، شخص تهمت زن و دروغگو است. و دیدی که بدی ظاهر شده و در سخن چینی تلاش و کوشش می کنند. و دیدی که ظلم و جنایت منتشر شده. و دیدی که غیبت کردن زیبا شمرده می شود. و بعضی بعض دیگر را به آن بشارت می دهد. و دیدی که حج و جهاد برای غیر خداوند است. و دیدی که سلطان در پیش کافر، مؤمنی را خوار و ذلیل می کند. و دیدی که خرابی بیشتر از آبادانی است. و دیدی که معیشت مرد از کم فروشی است. و دیدی

که ریختن خون انسانها خیلی آسان صورت می‌گیرد. و دیدی که مرد ریاست را برای فراخی و آسایش دنیایش طلب می‌کند و خودش را به بدزبانی مشهور می‌کند (تابه خاطر ترس از زبانش) کارها را به او بسپرنند.

و دیدی که نماز را سبک می‌شمرند. و دیدی که مردی مال زیادی دارد و تا هنگامی که مالک آن است آن را پاک نمی‌کند (خمس و زکات آن را نمی‌پردازد). و دیدی که مرده را نبش قبر کرده و او را اذیت و آزار نموده و کفنش را برمی‌دارند. و دیدی که فتنه و اختلاف زیاد شده. و دیدی که مردی روز خود را با مستی شب می‌کند و صبحش را با مستی آغاز می‌کند و کسی نیست که او را متهم کند. و دیدی که با چهارپایان جمع شوند. و دیدی که چهارپایان بعضی بعض دیگر را می‌درند. و دیدی مردی که به محل عبادتگاهش می‌رود و بر می‌گردد، چیزی از لباسش بر تن او نیست. و دیدی که مردم قساوت قلب گرفته و چشمهایشان خشک گردیده و ذکر الهی بر آنها سنگین شده است.

و دیدی که کارهای حرام ظاهر شده و در آن زیاد روی می‌کنند. و دیدی که عبادت کننده برای مردم عبادت می‌کند. و دیدی که فقیه برای غیر دین فقه می‌آموزد و دنیا و ریاست را طلب می‌کند. و دیدی که مردم با کسانی هستند که قدرت داشته و بر دیگران غلبه دارند. و دیدی که جوینده حلال را مذمت می‌کنند و جوینده حرام مورد ستایش واقع شده و مورد اکرام می‌گردد. و دیدی آنچه را که خداوند

دوست نمی‌دارد در مکه و مدینه انجام می‌دهند، و هیچ کس جلوی آنها را نمی‌گیرد، و کسی بین آنها و عمل قبیح و زشت شان تدبیری نمی‌اندیشد. و دیدی که آلات طرب و آواز از مکه و مدینه ظاهر شده. و دیدی که مردی حقی را می‌گوید و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و کس دیگری از روی نصیحت به او می‌گوید که این به زیان توست، و دیدی که مردم بعضی به بعض دیگر نگاه می‌کنند و با اهل شر هم‌نوا می‌شوند. و دیدی که کسی با اهل خیر و نیکی همراه نیست. و دیدی که مرده‌ای را مسخره می‌کنند و کسی برایش گریه نمی‌کند و دیدی که هر سال بدی و بدعت بیشتر از آنچه که بود می‌باشد. و دیدی که مردم و مجالس را کسی جز ثروتمندان متابعت نمی‌کند. و دیدی که به شخص محتاجی با مسخره و استهزاء چیزی می‌دهند و غیر خدائی مورد ترحم واقع می‌شود. و دیدی که نشانه‌هایی از عذاب در آسمان ظاهر گشته و کسی از آن نمی‌ترسد. و دیدی که مردم بر روی هم می‌پرند همچنانکه چهارپایان بر روی هم می‌پرند، و کسی از ترس مردم جلوی منکری را نمی‌گیرد. و دیدی که مردی مال زیادی را در راه غیر طاعت الهی خرج می‌کند و از خرج کردن مال کم در راه اطاعت الهی خودداری می‌نماید. و دیدی که سرپیچی‌ها آشکار می‌شود و پدر و مادرها سبک و خوار می‌شوند و بدترین مردم در نزد فرزند می‌باشند، و فرزندان از دروغ، افتراء و بهتان بستن به پدر و مادرشان شاد می‌شوند. و دیدی که زنان بر پادشاهان غلبه کرده و بر هر کاری که در آن هوا و هوس آنهاست غلبه

پیدا می‌کنند.

و دیدی که فرزندی بر پدرش افتراء و بهتان می‌زند و از مرگ آن شاد می‌شود. و دیدی که مردی وقتی روزی بر او گذشت و او در آن روز مرتکب گناه بزرگی از زنا یا کم فروشی و یا انجام دادن کارهای حرام یا خوردن شراب نشده، در آن روز افسرده و محزون می‌گردد و آن روز را خسران و زیان عمر خود به حساب می‌آورد. و دیدی که سلطان غذاها را احتکار کرده. و دیدی که اموال ذی القربی به ستم تقسیم می‌شود و با آن قمار می‌کنند، و شراب می‌نوشند. و دیدی که بوسیلهٔ خمر مداوا می‌کنند و به مریض توصیه می‌کنند که بوسیلهٔ آن شفا بیابد. و دیدی که مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر و ترد کردن عاملان و معتقدین آن شتاب می‌ورزند. و دیدی که وزش باد منافقین و اهل نفاق دائمی و وزش باد اهل حق هیچ حرکتی نمی‌کند (منافقین در حال جنب و جوش و مقابله با دین و اهل حق در خواب غفلت و سست و بی حال). و دیدی که اذان گفتن و نماز خواندن با اجرت است. و دیدی که در مساجد کسانی که از خداوند نمی‌ترسند و برای غیبت کردن و خوردن گوشت اهل حق و وصف و خوردن شراب و حال مست شدگان جمع می‌شوند. و دیدی که مستان با مردم نماز می‌خوانند در حالی که عقل ندارند و بوسیلهٔ مستی مورد عیب و ایراد واقع نمی‌شوند و زمانی که مست شوند مورد تکریم و پرهیزگاری و ترس از او واقع می‌شوند، و او را ترک می‌کنند و عقاب نمی‌نمایند و برای مستی عذر می‌آورند. و

دیدی که خوردن مال یتیم مورد حمد و ستایش واقع می شود. و دیدی که قاضی ها به خلاف آنچه که خداوند فرمان داده قضاوت می کنند. و دیدی که حاکمان را امین می کنند و آنها به خاطر طمع خیانت می کنند. و دیدی که ترکه میت را حاکمان برای اهل فسوق و فجور و کسانی که جرأت معصیت الهی را دارند قرار می دهند که از آنها می گیرند و به اهل فسوق می دهند و با آن هم، سیر نمی شوند. و دیدی که بر بالای منبرها امر به تقوی می کنند و گوینده خود به آن عمل نمی کند. و دیدی که نماز در وقت خودش سبک می شود. و دیدی که صدقه را به خاطر شفاعت و واسطه کس دیگری اعطاء می کنند نه به خاطر خداوند. و چون مردم خواسته اند اعطاء می کنند. و دیدی که مردم هم و غمشان شکمشان و فرج و آلتشان است و از آن چیزی که می خورند و همبستر می شوند هیچ ابائی ندارند که حلال است یا حرام. و دیدی که دنیا به آنها روی آورده است. و دیدی که صورت حق مورد تمرین و درس واقع می شود (و به آن عمل نمی کنند). پس بر حذر باش و از خداوند راه نجات طلب نما. و بدان که مردم در خشم و غضب الهی هستند و همانا خداوند برای امری که برای آنها اراده کرده (عذاب دردناک خود) مهلت داده است پس منتظر آن باش و تلاش کن که خداوند ترا در خلاف آنها ببیند، که چون عذاب الهی بر آنها نازل شود، تو نیز جزء آنها نباشی. پس/ بسوی رحمت الهی بشتاب که اگر تأخیر کنی به عذابش مبتلا شوی. و تو از آن خلافی که آنها جرأت بر خداوند کرده اند خارج شده ای، و

بدان که خداوند اجر نیکوکاران را از بین نمی برد و همانا رحمت الهی نزدیک نیکوکاران است.

(حدیث شصت و نهم)

قال ابو عبدالله عليه السلام: خالطوا الابرار سرّاً و خالطوا الفجار جهاراً و لاتميلوا عليهم فيظلموكم. فانه سيأتي عليكم زمانٌ لاينجو فيه من ذوى الدين إلا من ظنوا أنه ابله و صبر نفسه على أن يقال [له]: إنه ابله لاعقل له^(۱).

امام صادق عليه السلام می فرماید: با نیکان در پنهانی رابطه برقرار کنید و با ستمکاران در آشکارا، و بسوی آنها متمایل نشوید که بر شما ظلم می کنند. بدین زودی زمانی بر شما می آید که صاحب دینی نجات پیدا نمی کند مگر اینکه گمان می کنند او ابله است، و خود را به صبر و پایداری وای می دارد و به او می گویند: همانا ابلهی است که عقل ندارد.

(حدیث هفتاد)

قال راوی: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: ياتي عليكم زمان يغبط الرجل

حدیث شصت و نهم

بخفة الحال كما يغبط بكثرة المال و الولد^(۱).

راوی می گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: زمانی بر شما می آید که مرد به سبک حالی و تنگ دستی غبطه می خورد هم چنانکه به زیادی مال و فرزند غبطه می خورد.

﴿ حدیث هفتاد و یکم ﴾

قال علی عليه السلام: أنه سيأتي على الناس زمان تنقلب فيه الامور الدينية الى اصدادها و نقائضها و قد شهدنا ذلك عياناً^(۱).

حضرت علی عليه السلام می فرماید: بدین زودی زمانی بر مردم می آید که امور دینی به ضد و نقیض آن دگرگون می گردد که بتحقیق آن را آشکارا شاهد هستیم.

﴿ حدیث هفتاد و دوم ﴾

قال علی عليه السلام: ياتي على الناس زمان يرتفع فيه الفاحشة و لتضع و ينتهك

حدیث هفتاد

۱. مسکن الفواد ص ۵۴.

حدیث هفتاد و یکم

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۷ ص ۱۱۳.

فيه المحارم و يعلن فيه الزنا و يستحل فيه اموال اليتامى و يؤكل فيه الربا و يطفف في المكائيل و الموازين و يستحل الخمر بالنبيذ و الرشوة بالهدية و الخيانة بالامانة و يشتبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و يستخف بحدود الصلاة و يحج فيه لغير الله. فاذا كان ذلك انتفخت الاهلة تارة حتى يرى الهلال ليلتين و خفيت تارة حتى يفطر شهر رمضان في اوله و يصام للعيد في آخره فالحذر الحذر حينئذ من اخذ الله على غفلة فان من وراء ذلك موت ذريع يختطف الناس اختطافاً حتى ان الرجل ليصبح سالماً و يمسي دفيناً، و يمسي حياً و يصبح ميتاً. فاذا كان ذلك الزمان و جب التقدم في الوصية قبل نزول البلية و و جب تقديم الصلاة في اول وقتها خشية فوتها في آخر وقتها فمن بلغ منكم ذلك الزمان فلا يبيتن ليلة الا على طهر، و ان قدر أن لا يكون في جميع احواله الا طاهراً فليفعل فانه على وجل لا يدري متى ياتيه رسول الله لقبض روجه و قد حذرتكم و عرفتكم ان عرفتم و عظتكم ان اتعظتم فاتقوا الله في سرائركم و علانيتكم و لاتموتن الا و انتم مسلمون و من يبتغ غير الاسلام ديناً فلن يقبل منه و هو الآخرة من الخاسرين^(۱).

حضرت علي عليه السلام می فرماید: زمانی بر مردم می آید که شخص فاحشه مقامش عزیز می گردد و بر فحشایش یاری می گردد و محارم

حدیث هفتاد و دو

در آن زمان هتک حرمت می شود، و زنا علنی می گردد. مال یتیم را حلال می دانند. ربا می خورند. در ترازو و پیمانہ کم می کنند. شراب انگور را حلال می شمارند و بنام هدیه رشوه می گیرند در امانت خیانت می کنند. مردان شبیه زنان و زنان شبیه مردان می شوند، حدود نماز را سبک می شمارند و برای غیر خداوند حج می گذارند. پس در آن زمان ماه در آن شبی که باید بالا بیاید بالا نمی آید، و در آن شبی که نباید بالا بیاید، بالا می آید، تا اینکه روزه اول ماه را افطار می کنند و عید فطر را روزه می گیرند، پس بر حذر باشید بر حذر باشید در این هنگام که خداوند شما را در حال غفلت و عصیان بگیرد که از ورای آن مرگی سریع است که مردم را چه شتابنده می گیرد تا اینکه مرد صبح صحیح و سالم است و شب او را زیر خاک دفن می کنند و شب زنده است و با حالت مرده صبح می کند.

پس وقتی که آن زمان باشد قبل از آمدن بلاها وصیت کردن و خواندن نماز در اول وقت به خاطر ترس از اینکه در آخر وقت فوت شود واجب می شود برای کسی که آن زمان را درک کند. پس شبی را بدون طهارت نخوابید، و اگر برای شما مقدور است در همه حالات با طهارت باشید آن کار را بکنید. که آن به خاطر ترسی است که نمی دانید رسول الهی برای گرفتن روحتان کی می آید. به تحقیق شما را بر حذر کردم و دانا نمودم اگر دانا شوید، و شما را پند و موعظه کردم اگر آن را بپذیرید. پس در خلوتها و جلوتهای خود از خداوند پرهیزید و نمیرید مگر آنکه مسلمان باشید. و هر کس غیر از اسلام

دینی را بپذیرد از او قبول نمی شود و او در آخرت از خاسرین و زیان دیدگان باشد.

«حدیث هفتاد و سوم»

قال زين العابدين عليه السلام: الناس في زماننا على ست طبقات: أسد، و ذئب، و ثعلب، و كلب، و خنزير، و شاة. فأما الاسد فملوك الارض يحب كل واحد منهم أن يغلب و لا يغلب، و أما الذئب فتجاركم يذموا اذا اشترى و يمدحوا اذا باعوا. و أما الثعلب فهو لاء الذين ياكلون باديانهم و لا يكون في قلوبهم ما يصفون بألسنتهم و أما الكلب يهر على الناس بلسانه و يكرهه الناس من شر لسانه. و أما الخنزير فهو لاء المخنثون و اشباههم لا يدعون الى فاحشة إلا اجابوا. و أما الشاة فالذين تجر شعورهم و يؤكل لحومهم و يكسر عظمهم. فكيف تصنع الشاة بين اسد و ذئب و ثعلب و كلب و خنزير؟! (۱)

امام زين العابدين عليه السلام می فرماید: مردم در زمان ما بر شش گروه هستند: شیر، گرگ، روباه، سگ، خوک و گوسفند. پس شیر پادشاهان روی زمین هستند که هر کدام از آنها دوست دارند غالب شوند ولی خود مغلوب نگردند. و اما گرگ تاجرها هستند از چیزی که می خواهند بخرند بد می گویند و از چیزی که می خواهند بفروشند

حدیث هفتاد و سو

تعریف می‌کنند. و امّا روباہ آن کسانی هستند کہ بوسیلهٔ دین نان می‌خورند و آنچه را کہ بوسیلهٔ زبان توصیف می‌کنند در قلبهایشان سراغی از آن نیست. و امّا سگان افرادی هستند کہ با زبانشان مردم را می‌گزند و مردم از شرّ زبان آنها، ایشان را اکرام و احترام می‌کنند. و امّا خوک آنهایی هستند کہ خوئی زنانه دارند و شبیه آنها، کہ بسوی هیچ فحشائی خوانده نمی‌شوند مگر اینکه آن را اجابت می‌کنند. و امّا گوسفند مؤمنانی هستند کہ مویشان را می‌کنند و گوشتشان را می‌خورند و استخوانشان را می‌شکنند پس گوسفند در میان چنگال شیر و گرگ و روباہ و سگ و خوک چه کند؟.

منابع

- ۱ - الكافي - شيخ الكليني - دارالكتب الاسلاميه، تهران - چاپ چهارم
- ۲ - تفسير العياشي - محمد بن مسعود عياشي - چاپخانه علميه تهران - ۱۳۸۰ هجری .
- ۳ - جامع الاخبار - تاج الدين شعيري - انتشارات رضی، قم - چاپ دوم - ۱۳۶۳ شمسی .
- ۴ - تهذيب الاحكام - شيخ طوسی - دارالكتب الاسلاميه، تهران - چاپ چهارم - ۱۳۶۵ شمسی .
- ۵ - وسائل الشيعه - شيخ حر عاملی - مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم - چاپ اول - ۱۴۰۹ هجری .
- ۶ - الخصال - شيخ صدوق - انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم - چاپ دوم - ۱۴۰۳ هجری .
- ۷ - خصال شيخ صدوق - مترجم آية الله كمره‌ای - ناشر كتابخانه اسلاميه - پائيز ۱۳۶۶ - چاپ پنجم .
- ۸ - الامالی للطوسی - انتشارات دارالثقافة، قم - چاپ اول - ۱۴۱۴ هجری .
- ۹ - مستدرک الوسائل - محدث نوری - مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم - چاپ اول - ۱۴۰۸ .
- ۱۰ - نهج الحق و كشف الصدق - علامه حلی - مؤسسه دارالهجرة، قم - چاپ اول - ۱۴۰۷ هجری .
- ۱۱ - خصائص الائمة - مجمع البحوث الاسلاميه متعلق به آستان قدس رضوی عليه السلام - ۱۴۰۶ هجری .
- ۱۲ - نهج البلاغه - انتشارات دارالهجرة، قم - نسخه صبحی صالح .
- ۱۳ - منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر عليه السلام - لطف الله الصافي الكلپايگانی - الطبعة الثالثة - مكتبة الصدر .

۱۲۳ آخر الزمان در آينه روايات

۱۴ - منتخب الانوار المضيئة - سيد علي بن عبدالكريم نيلي نجفي - چاپخانه خيام قم - ۱۴۰۱ هجری.

۱۵ - كمال الدين - شيخ صدوق - انتشارات دارالكتب الاسلاميه - چاپ دوم - ۱۳۹۵ هجری.

۱۶ - معانی الاخبار - شيخ صدوق - مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین - ۱۳۶۱ هجری.

۱۷ - مصادقة الاخوان - شيخ صدوق - ليتوگرافي کرمانی قم - ۱۴۰۲ هجری.

۱۸ - مشکاة الانوار في غرر الاخبار - علي بن حسن طبرسي - انتشارات کتابخانه حیدریه، نجف اشرف - چاپ دوم - ۱۳۸۵ هجری.

۱۹ - مجموعة ورام - انتشارات مكتبة الفقيه قم.

۲۰ - غيبة النعماني - محمد بن ابراهيم نعماني - مكتبة الصدوق - ۱۳۹۷ هجری.

۲۱ - متشابه القرآن - ابن شهر آشوب مازندرانی - چاپ انتشارات بيدار - سال انتشار: ۱۳۲۸ شمسی.

۲۲ - كشف الغمه في معرفة الأئمة عليهم السلام - علي بن عيسى اربلي - انتشارات مكتبة بني هاشم - تبريز - سال انتشار: ۱۳۸۱ هجری.

۲۳ - التوحيد - شيخ صدوق - انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - چاپ دوم - ۱۳۹۸ هجری (۱۳۵۷ شمسی).

۲۴ - بصائر الدرجات - محمد بن حسن بن فروخ صفار - انتشارات کتابخانه آية الله مرعشي نجفي - چاپ دوم - ۱۴۰۴ هجری.

۲۵ - بحار الانوار - علامة مجلسي - مؤسسة الوفاء بيروت - لبنان - ۱۴۰۴ هجری.

۲۶ - التحصين بن فهد حلي - چاپ انتشارات مدرسه امام مهدي (عج) قم - چاپ دوم - ۱۴۰۶ هجری.

۲۷ - الامان - سيد ابن طاووس - چاپ مؤسسه آل البيت عليه السلام قم - چاپ اول - ۱۴۰۹ هجری.

۲۸ - الاقبال بالاعمال الحسنة - سيد ابن طاووس - چاپ دارالکتب الاسلامية تهران - چاپ دوم - ۱۳۶۷ شمسی.

۲۹ - من لا يحضره الفقيه - شيخ صدوق - مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم - چاپ سوم - ۱۴۱۳ هجری.

۳۰ - الجعفریات - محمد بن محمد بن اشعث - مكتبة نينوى الحديثة - تهران.

۳۱ - مكارم الاخلاق - رضی الدين حسن بن فضل طبرسی - انتشارات شريف رضی قم - چاپ چهارم - ۱۴۱۲ هجری.

۳۲ - مكارم الاخلاق - الشيخ الطبرسی ابی نصر الحسن بن الفضل - مؤسسه النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة الطبعة الثانية - التاريخ ۱۴۱۶ هـ.ق.

۳۳ - غررالحکم و دررالحکم - عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی - دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم - چاپ اول - ۱۳۶۶ شمسی.

۳۴ - روضة الواعظین - محمد بن حسن فقیه نیشابوری - انتشارات رضی، قم.

۳۵ - تحف العقول - حسن بن شعبه حرانی - چاپ مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم - چاپ دوم - ۱۴۰۴ هجری.

۳۶ - اعلام الدين - شيخ مفيد - کنگره جهاني هزاره شيخ مفيد قم - چاپ اول - ۱۴۱۳ هجری.

۳۷ - عيون الاخبار - شيخ صدوق - انتشارات جهان - ۱۳۷۸

۳۸ - صحيفة الرضا - کنگره جهاني امام رضا عليه السلام - چاپ اول - ۱۴۰۶ هجری قمری.

۳۹ - شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحديد معتزلی - انتشارات کتابخانه آية الله مرعشي نجفی قم - ۱۴۰۴ هجری.

- ۴۰ - مسکن الفؤاد - چاپ انتشارات کتابخانه بصیرتی قم - شهید ثانی.
۴۱ - فضائل الا شهر الثلاثة - شیخ صدوق - مكتبة الداوری، قم.
۴۲ - روضة الكافی - شیخ الكلینی - دارالکتب الاسلامیة، تهران - چاپ چهارم.

منابع پاورقی

- ۱ - قرآن الکریم
۲ - میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری - الناشر مکتب الاعلام الاسلامی
- الطبعة الثانية - تاریخ النشر، اردیبهشت ۱۳۶۷.
۳ - الحکم الزاهره - علی رضا الصابری الیزدی - مؤسسة النشر الاسلامی - ۱۴۰۳ هـ.
۴ - قصار الجمل - علی المشکینی الاردبیلی.
۵ - الحدیث، روایات تربیتی - مرتضی فرید - دفتر نشر فرهنگ اسلامی - چاپ هفتم ۱۳۶۹.
۶ - فیض عرشى - اسد الله ربانى - ناشر: تبلیغات اسلامی - چاپ اول - تابستان ۱۳۷۸.
۷ - صحیفة السجادیة.

(فهرست)

	مقدمه
حدیث ہجدهم..... ۲۶	حدیث اول..... ۷
حدیث نوزدهم..... ۲۷	حدیث دوم..... ۷
حدیث بیستم..... ۲۸	حدیث سوم..... ۸
حدیث بیست و یکم..... ۲۹	حدیث چہارم..... ۱۰
حدیث بیست و دوم..... ۳۰	حدیث پنجم..... ۱۱
حدیث بیست و سوم..... ۳۱	حدیث ششم..... ۱۲
حدیث بیست و چہارم..... ۳۲	حدیث ہفتم..... ۱۳
حدیث بیست و پنجم..... ۳۵	حدیث ہشتم..... ۱۴
حدیث بیست و ششم..... ۳۵	حدیث نہم..... ۱۵
حدیث بیست و ہفتم..... ۳۶	حدیث دہم..... ۱۵
حدیث بیست و ہشتم..... ۳۸	حدیث یازدہم..... ۱۷
حدیث بیست و نہم..... ۳۹	حدیث دوازدہم..... ۱۸
حدیث سی ام..... ۴۱	حدیث سیزدہم..... ۱۹
حدیث سی و یکم..... ۴۱	حدیث چہاردہم..... ۲۱
حدیث سی و دوم..... ۴۲	حدیث پانزدہم..... ۲۲
حدیث سی و سوم..... ۴۳	حدیث شانزدہم..... ۲۲
حدیث سی و چہارم..... ۴۴	حدیث ہفدہم..... ۲۵
حدیث سی و پنجم..... ۴۵	

۶۵ حدیث پنجاه و ششم
 ۶۶ حدیث پنجاه و هفتم
 ۶۷ حدیث پنجاه و هشتم
 ۶۸ حدیث پنجاه و نهم
 ۷۰ حدیث شصت
 ۷۱ حدیث شصت و یکم
 ۷۲ حدیث شصت و دوم
 ۷۴ حدیث شصت و سوم
 ۷۵ حدیث شصت و چهارم
 ۷۶ حدیث شصت و پنجم
 ۸۲ حدیث شصت و ششم
 ۸۳ حدیث شصت و هفتم
 ۹۶ حدیث شصت و هشتم
 ۱۱۶ حدیث شصت و نهم
 ۱۱۶ حدیث هفتاد
 ۱۱۷ حدیث هفتاد و یکم
 ۱۱۷ حدیث هفتاد و دوم
 ۱۲۰ حدیث هفتاد و سوم
 ۱۲۲ منابع

۴۶ حدیث سی و ششم
 ۴۷ حدیث سی و هفتم
 ۴۷ حدیث سی و هشتم
 ۴۸ حدیث سی و نهم
 ۴۹ حدیث چهل
 ۵۰ حدیث چهل و یکم
 ۵۱ حدیث چهل و دوم
 ۵۲ حدیث چهل و سوم
 ۵۲ حدیث چهل و چهارم
 ۵۳ حدیث چهل و پنجم
 ۵۴ حدیث چهل و ششم
 ۵۵ حدیث چهل و هفتم
 ۵۶ حدیث چهل و هشتم
 ۵۶ حدیث چهل و نهم
 ۵۷ حدیث پنجاه
 ۵۸ حدیث پنجاه و یکم
 ۶۰ حدیث پنجاه و دوم
 ۶۱ حدیث پنجاه و سوم
 ۶۱ حدیث پنجاه و چهارم
 ۶۳ حدیث پنجاه و پنجم